مدیریت شهری

شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۵۷-۸۶

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۲۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۸/۲۰

تحلیل سازگاری فضای شهر و محیط زیست شهر آرمانی شیعی در تقابل رهیافت های نظری اسلام و غرب

فواد فاضلی* – کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی، امارات.

چکیده

به‌رغم این‌که از ابتدای طرح مفهوم توسعه به معنای عام آن، منابع طبیعی و زیست‌محیطی نقش اساسی در شکل‌گیری آن داشت، تا دهه‌های اخیر از توجه جدی به آن غفلت شده بود. رشد فزاینده اقتصادی که ارمغان پیشرفت فن‌آوری بود، پیامدهایی در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی داشت که به‌تدریج باعث نگرانی اقتصاددانان و دانشمندان اکولوژی به‌طور خاص و بیشتر ارباب معرفت به‌طور عام شد. در حالی که نگاه دین مبین اسلام و خاصه شیعه به مفهوم سازگاری فضاهای شهری با محیط زیست و طبیعت به عنوان یک رهیافت جامع برای گذشته، حال، و آینده بشر می تواند در تقابل با رهیافتهای نظری غرب، گامی اساسی در برنامه ریزی ساختار فضاهای شهری بشمار رود. در هر حال، در این مقاله به مفهوم سازگاری فضای شهر آرمانی شیعی و محیط زیست در تقابل رهیافتهای نظری اسلام و غرب پرداخته می شود که از روش توصیفی- تحلیلی و روش استدلال منطقی بهره برده است. در پایان نیز به مضامین و مصادیق تقابل رهیافتهای نظری اسلام و غرب اشاره شده و جایگاه طبیعت و محیط زیست در شهرهای آرمانی شیعه مورد تبیین قرار گرفته است که می تواند به عنوان الگویی جامع و مانع در قبال تعامل شهر و محیط زیست شهری قلمداد گردد.

واژگان کلیدی: شهر شیعی، محیط زیست، سازگارمندی فضایی، طبیعت و اسلام.

Shiite ideal atmosphere and environment compatibility analysis of theoretical approaches against Islam and the West

Abstract

Despite the fact that since the concept of development in its broadest sense, a fundamental role in the development of its natural resources and the environment, until recent decades of neglect was paying serious attention to it. The economic growth brought the consequences of technological progress

concern for ecological economists and scientists upset. Look especially Shiite Islam and the concept of urban adaptation to the environment and nature can be at odds with the West theoretical approaches is considered essential in the planning of urban spaces. However, in this paper, the concept of an ideal space Shiite and environmental compatibility of Islam and the West is opposed to theoretical approaches

reasoning. Finally, the themes and contrasting examples of

ideal place for nature and the environment in the Shiite cities were explained as a model that can interact with the city's comprehensive and considered urban environment.

Keywords: Shiite city, the environment, consistent access to space, nature and Islam.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۲۲۸۵۴۲۳۷؛ رایانامه: fazeli-f@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مقدمه

گرچه مدت‌هاست بشر متوجه اهمیت محیط زیست در زندگی خود شده است، اما دهه‌های آخر قرن بیستم را باید زمان اوج طرح مسائل زیست محیطی دانست. امروزه خطر بزرگی که بشر از ناحیه‌ی مشکلات زیست محیطی احساس می‌کند، نه تنها آرامش و امنیت زندگی او را بر هم زده، بلکه موجودیت او را هم در معرض تهدید و خطر قرار داده است. بنابراین، در کنار مشکلاتی که بشرِ امروز دارد، فاجعه‌ی به هم خوردن تعادل زیست محیطی ـ اگر نگوییم مهم‌ترین ـ یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های اوست. از این‌رو به منظور حفظ و حراست از طبیعت و محیط زیست، به تدریج اندیشه‌ی وضع قواعد و مقررات جهانی شکل گرفت و از رهگذر کنفرانس‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تکامل یافت. در این قواعد و مقررات، جلوگیری از آلودگی محیط زیست مورد تأکید قرار گرفت و معیارهای جهانی مشترکی، جهت به نظم درآوردن فعالیتهای مرتبط با محیط زیست انجام شد. اما اقدامات در مورد محیط زیست، در همین جا متوقف نشد، بلکه با مطرح شدن مسائل مربوط به حقوق بشر ـ که با انتشار اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق‌های بین‌المللی ۱۹۶۶ جایگاهی رفیع در نظام بین‌المللی به خود اختصاص داد ـ مسأله محیط زیست نیز وارد مرحله تازه‌ای شد، تا اینکه در سال ۱۹۷۲ در اعلامیه استکهلم بین حقوق بشر و محیط زیست رابطه و پیوندی و اساسی برقرار گردید. بعضی از نویسندگان از اینکه بتوان تعریفی جامع و حقوقی از «محیط زیست» ارائه داد، اظهار تردید کرده‌اند؛ زیرا حقوق داخلی ایران و بسیاری از کشورها در خصوص تعریف محیط زیست ساکت هستند و بیشتر محیط زیست را در رابطه با عناصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر به کار برده‌اند. از سویی دیگر، دین مبین اسلام و خاصه دیدگاه شیعه به طبیع و زیست بوم می تواند راهگشایی اساسی در راستای سازگاری فضای شهر آرمانی شیعی و محیط زیست در تقابل رهیافت های نظری اسلام و غرب بشمار رود که ضرورت انجام این تحقیق را تشکیل داده است.

ادبیات و مبانی نظری

محیط زیست و تاریخ

بررسی اجمالی سرگذشت انسان نشان می‌دهد که تعامل بشر به عنوان جزئی از طبیعت با محیط پیرامونش، سه مرحله را شامل می‌شود؛ این سه مرحله عبارتند از: «۱. دوران تسلط طبیعت بر انسان، ۲. دوران تسلط انسان بر طبیعت و ۳. دوران تعامل و همگرایی انسان و طبیعت.»

۱.دوره اول دربرگیرنده اینست که در آن بشر کاملاً مقهور طبیعت بوده و قادر نبوده دخل و تصرفی در طبیعت انجام دهد. در این دوره که با پیدایش و آفرینش انسان شروع می‌شود، اگر بشر تصرفی جزئی هم در طبیعت و محیط زیست خود داشته است، ضرری نداشته و طبیعت به راحتی این تصرفات را تحمل، جبران و بازسازی کرده است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت، در این دوره، محیط زیست به صورت بکر و دست‌نخورده باقی ماند.

۲.در مقایسه با دوره‌ی اول، دوره‌ی دوم از زندگی انسان را شاید بتوان دوران غلبه بر تسلط انسان بر محیط زیست دانست. این داره، عصر ایجاد تمدن‌های صنعتی است. بشر با دستیابی به صنعت ماشینی و به وجود آوردن کارخانه‌های کوچک و بزرگ، رابطه خود را با طبیعت متحوّل کرد؛ بدین صورت که برای افزایش تولید، منابع بیشتری را مورد بهره‌برداری قرار داد و در نتیجه صدمات بیشتری را به تربیت وارد کرد و در اثر این امر، طبیعت رو به تخریب و نابودی گذاشت. در این دوره، بشر این امکان را یافته که با تصرفات بی‌رویه «تعادل اکولوژیک» طبیعت را بر هم زده و علاوه بر تخریب محیط زیست، آلودگی آن را نیز موجب شود. رفتار و دراین دوره به گونه‌ای بود که فکر می‌کرد مالک زمین است، و ساکن آن؛ لذا پیشرفتِ خود را، پیروزی به حساب آورد، حتی اگر این پیروزی، تخریب بخش‌هایی از محیط زیست و طبیعت را در پی داشته باشد.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

۳. دوره سوم، عصر آگاهی، تعامل و همزیستی با طبیعت و محیط زیست است. گسترش آلودگی‌های زیست محیطی موجب شد که در برخی از کشورهای پیشرفته و صنعتی و سپس در سطح جهان اقداماتی برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست صورت گیرد بر این اساس دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را باید دوره‌ی بیداری و آگاهی در زمینه‌ی محیط زیست دانست. در این دوره بشر به علایم تهدیدکننده‌ی حیات پی‌برد و دریافت که برای نابودی حیات و زندگی در کره‌ی زمین، دیگر احتیاجی به برخوردهای نظامی و به‌کارگیری سلاح‌های مخرّبِ غیرمتعارف که آثار تخریبی گسترده دارند، نیست. همین طور جنبش‌های مردمی و «سازمان‌های غیردولتی» نیز در کشورهای غربی فعّال شدند و زنگ خطرِ نابودی محیط زیست را به در دنیا به صدا درآوردند. توجه به محیط زیست در این دوران به حدّی رسید که فقط در سال ۱۹۷۲ حدود ۳۰۰ کتاب در مورد محیط زیست در آمریکا نوشته شد.

محیط‌زیست

به‌رغم این‌که از ابتدای طرح مفهوم توسعه به معنای عام آن، منابع طبیعی و زیست‌محیطی نقش اساسی در شکل‌گیری آن داشت، تا دهه‌های اخیر از توجه جدی به آن غفلت شده بود. رشد فزاینده اقتصادی که ارمغان پیشرفت فن‌آوری بود، پیامدهایی در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی داشت که به‌تدریج باعث نگرانی اقتصاددانان و دانشمندان اکولوژی به‌طور خاص و بیشتر ارباب معرفت به‌طور عام شد. این نگرانی‌ها توجه برخی از اقتصاددانان و مجامع را به این مسئله جلب کرد. استوارت میل ضمن اظهار نگرانی شدید از آینده زیست‌محیطی جهان می‌گوید: «... من در اینجا صمیمانه درخواست می‌کنم تا برای نجات آیندگان و خشنودی آن‌ها از یک زندگی طولانی، قبل از آن که مجبور به پذیرش اجباری وضعیت خود شوند، تلاش نماییم» (میل، ۱۸۵۷، کتاب پنجم، به نقل از پرمن، ۱۳۸۲ش: ص ۱۱ - ۱۲).

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، در امریکا نهادهای قانونی دولتی تحت عنوان حفاظت از سرمایه‌های‌زیست محیطی و یا حفاظت از منابع طبیعی شکل گرفت. در دهه ۱۹۷۰ طرفداران محیط زیست در تألیف کتاب‌های مختلف، اقامه دعاوی و بازخواست در مورد محیط زیست بسیار فعال بودند به‌طوری که به یک جبهه فعال غیرسیاسی در اجتماعات تبدیل شدند. در سال ۱۹۶۵ نماینده سازمان ملل متحد[1] از ترکیب کنایی «زمین سفینه‌فضایی» در یکی از سخنرانی‌هایش استفاده کرد. این ترکیب کنایی در سال ۱۹۷۱ بار دیگر توسط «بولدینگ[2]» مورد استفاده قرار گرفت. منظور از این ترکیب این است که زمین یک سیستم بسته و آسیب‌پذیر است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی دو اثر به نام‌های «محدودیت‌های رشد» و «طرحی برای زنده ماندن» رضایت خاطر غربی‌ها در مورد ملاحظه مؤلفه‌های زیست‌محیطی را متزلزل ساخت. در تحقیق اول که از سوی کلوپ روم منتشر شد کاهش رشد اقتصادی تا حد صفر مطرح گردید طرفداران این نظریه به صفرگرایان مشهور شدند و در دومی، پژوهش‌های مربوط به حفظ بقاء در زمان حال و آینده مورد تشویق قرار گرفت و چنین نتیجه‌گیری شد که برای حفظ بقا مؤلفه‌هایی مانند رشد جمعیت و دیگرپارامترهای کلیدی توسعه باید با مدیریت زیست‌محیطی ادغام شود (بارو، ۱۳۸۰ش، ص ۲۳۰ - ۲۴۰).

درحال حاضر بیش از ۸۰۰ قرارداد دو یا چندجانبه در زمینه محیط زیست وجود دارد که از زوایای مختلف، به جوانب حفظ محیط زیست پرداخته‌اند و در واقع، این قراردادها، بعنوان منابع اصلی حقوق محیط زیست بین‌المللی محسوب می‌شوند با این وجود نقص مهم تمامی کنفرانسها و اجلاسهای برگزار شده و تمام قراردادها و اعلامیه‌های ارایه شده برای محیط

1.Adlai Stevenson

2. Boulding

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

زیست این می‌باشد که می‌خواهند با همان الگوهای فکری حاکم که محیط زیست بشری را به این روز انداخته‌اند به مقابله با آلودگی و تخریب محیط زیست برخیزند و قراردادها و مصوبه‌های مجامع بین‌المللی، علیرغم ارزشمند بودن، از ابزار اجرایی لازم برخودار نیستند (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۰ش، ص ۴۱ - ۵۲).

فیزیوکرات‌ها و پس از آنان، کلاسیک‌ها، بر آزادی‌های فردی و عدم دخالت دولت در اقتصاد تأکید داشتند. «آدام اسمیت» در کتاب معروف خود «ثروت ملل» انگیزه تولید کننده را صرفاً نفع شخصی می داند: فقط به علت کسب سود است که هر کس سرمایه خود را در صنعت بکار می‌گیرد و لذا همیشه تلاش می‌کند تا سرمایه را در صنایعی مورد استفاده قرار دهد که بیشترین ارزش افزوده را ایجاد کند.

«... چنین شخصی نه تمایلی به افزایش نفع اجتماعی دارد و نه اطلاعی از آن دارد. با این وجود او معتقد است وقتی فرد نفع شخصی خود را دنبال می‌کند منافع اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. چنین اعتقادی به کارایی مکانیسم بازار، یک اصل اساسی تشکیل سیاست‌های دستوری در بخش عمده‌ای از اقتصاد محیط زیست نوین محسوب می‌شود» (پرمن، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی، در نظام سرمایه‌داری به‌تدریج حرکت‌های مخالفی را در مقابل خود شکل داده و افکار سوسیالیسم، با اندیشه واگذاری تمام فعالیت‌های اقتصادی به بخش دولتی و تدبیر اقتصاد بر اساس برنامه‌ریزی متمرکز دولتی، به شکل گسترده‌ای پدیدار شد. «بند ۱۸ قانون اساسی سال ۱۹۷۷شوروی که اکنون اثری از آن نیست به وضوح بیانگر آن است که برای استفاده از زمین و معادن، منابع آب، حفظ پاکیزگی هوا و آب‌ها جهت رفاه نسل‌های آینده و نسل فعلی باید کلیه اقدامات لازم انجام شود با این وجود آن رژیم اشتباهات زیست‌محیطی زیادی مرتکب شد» (کولا، ۱۳۸۰، ص ۳۵).

محیط زیست جمع تمام شرایط و آثاری است که زندگی و رشد موجودات زنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر محیط زیست یا به‌عبارت ساده‌تر پیرامون زندگی موجودات زنده، از دو بخش زنده و غیرزنده تشکیل شده است. به‌این‌ترتیب، بررسی محیط زیست هر موجود زنده بدون مطالعه بخش غیرزنده امکان‌پذیر نیست، زیرا محیط زیست در کل، از کنش و واکنش بین این ۲ بخش وابسته به یکدیگر شکل می‌گیرد. اجزا این ۲ بخش در سطح کلان عبارتند از:

«پرتوهای خورشیدی، پرتوهای کیهانی، ترکیب هواسپهر، فشار باد، آب، آتش، وضعیتهای زمین‌شناختی و پستی بلندی، نیروهای چرخشی گردش زمین، سنگ مادر، خاک، گیاهان، جانوران، انسان، دما و حجم پرتوهای زمین که در زمان بر هم اثر می‌گذارند.»

«محیط زیست شهری» در واقع اکوسیستم و یا محیطی است که دارای اجزاء و عناصر مختلفی از جمله منابع، فرایندها و تأثیرات مربوط به جوامع گیاهی و حیوانی محلی، حیات انسانی، معادن، آب، خاک، هوا و غیره (محیط طبیعی)، منابع و فرایندها و تأثیرات مرتبط با ساختمان‌ها، مسکن، جاده، و تأسیسات (محیط مصنوع) و منابع و فرآیندها و تأثیرات مربوط به فعالیت‌های انسان، آموزش، بهداشت، هنر (محیط اجتماعی و اقتصادی) می‌باشد. در نتیجه عملکرد و فعالیت انسان‌ها و تبدیل منابع و مواد اولیه به کالا و خدمات مورد نیاز، محیط زیست شهری تحت تأثیر قرار می‌گیرد که این تأثیرات ممکن است مثبت و یا منفی باشد. از جمله عوامل منفی تأثیرگذار بر محیط زیست شهری می‌توان به انواع آلودگی‌ها (آلودگی آب، هوا، صدا)، تولید مواد زاید و زباله، فاضلاب و تراکم جمعیت اشاره کرد. برای این که بتوانیم تعریف جامعی از محیط زیست ارائه دهیم به ناچار باید برخی از مفاهیم را که شناخت محیط زیست، متوقف بر آشنایی به آنهاست، تعریف کنیم و در انتها تعریفِ مورد نظر از محیط زیست را بیان نماییم.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

الف) طبیعت

اگـر بخواهیـم از واژه‌ای بـا مفهـوم مبهم نـام ببریم، این واژه چیـزی جـز کلمـه «طبیعـت» نخواهـد بـود؛ زیـرا بـه تمـام موجوداتـی کـه پـروردگار در جهـان بی‌انتهـا، آفریـده اسـت، طبیعت گفته می‌شـود؛ به عبـارتِ دیگر، هرچیزی که دسـت بشـر در ایجـاد آن دخالت نداشـته باشـد، طبیعت نـام دارد.

ب) اکولوژی

«اکولـوژی»[1] یـا بوم‌شناسـی، دانشـی اسـت کـه بـه مطالعـه روابـط جانـداران بـا محیطی کـه در آن زندگی می‌کننـد، می‌پـردازد. بـا توجـه بـه محتوای نـه چندان روشـنِ محیط زیسـت، افکار عمومی، به ایـن اکولوژی و محیـط زیسـت تفـاوت چندانـی قائل نیسـت[2].

ج) اکوسیستم

«اکوسیسـتم»، عبارت اسـت از هر ناحیـه‌ای از طبیعت کـه در آن، بیـن موجـودات زنـده و اجسـام غیرزنـده واکنش‌هـای متقابـل انجـام می‌گیـرد، تـا تبـادل مـواد بیـن آن‌هـا بـه عمـل آیـد؛ مثـلاً یـک دریاچـه یـا یک جنـگل، یـک اکوسیسـتم[3] اسـت و شـامل چهـار عاملِ تشـکیل دهنده، یعنی اجسـام غیرزنده، تولیدکنندگان، مصرف‌کننـدگان و تجزیه‌کننـدگان می‌باشـد؛ از ایـن‌رو محیـط زیسـت را می‌توان یک اکوسیسـتم دانسـت که از تعدادِ بی‌شـماری اکوسیسـتم‌های کوچک‌تر تشـکیل شـده اسـت و بشـر بـرای زندگـی و ادامه‌ی آن بـه تمام اکوسیسـتم‌ها وابسـتگی دارد . اکوسیسـتم انواعی دارد: ماننـد اکوسیسـتم خشـکی و اکوسیسـتم دریایـی، که این‌هـا نیـز خود انواعـی دارند که جهـت رعایت اختصار از ذکـر آن‌هـا خـودداری می‌شـود.

د) کره زمین

کـره زمیـن را بـر مبنـای معیارهای زیسـت محیطی به بخش‌هـای زیـر تقسـیم می‌کنند:

۱. لیتوسـفر[4]؛ کره سـنگی، که شـامل صخره‌های جامد

۱. در سـال ۱۸۵۹، ده سـال پیش از وضع واژه اکولوژی توسـط ارنسـت هکل، اتین ژفروآ سـن-ایلر، جانورشناس فرانسـوی، واژه اتولوژی را بـرای رشـته‌ای کـه روابـط بیـن محیط و موجـودات زنده را بررسـی می‌کند، وضع و پیشـنهاد کـرده بـود. واژه اتولـوژی از واژه یونانی «ethos» بـه معنـای «رفتـار» مشـتقّ شـده اسـت و بنابرایـن معنـای اتولوژی از لحاظ ریشـه لغوی، رفتارشناسـی اسـت. کشـمکش و جـدال در بـاره بکاربـردن واژه‌هـای اکولـوژی و اتولـوژی و ترجیـح یکـی از آنها بر دیگری، سـالها ادامه داشـت تا آنکه بـا تصویب مجامع علمی منعقده در طول سـال‌های ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲، واژه اکولوژی به رسـمیت پذیرفته شـد (ماخذ: ویکی پدیای فارسـی، زمان برداشـت: ۱۳۹۴/۱/۲).

۲. بوم‌شناسـی یـا اکولـوژی بررسـی دانـش برهمکنش‌هـای میـان جانـداران و زیسـت‌بوم- محیـط زندگـی- آن‌هـا اسـت. می‌تـوان مدعـی شـد کـه بوم‌شناسـی کهن‌ترین علم بشـری اسـت. اگر طبق تعریف بوم‌شناسـی بررسـی علمـی پراکنـش و فراوانی جانـداران، و برهمکنش‌هایـی کـه ایـن پراکنـش و فراوانـی را تعییـن می‌کنند باشـد، ابتدایی‌ترین انسـان‌ها بـه خاطر نیازشـان به دانسـتن اینکه نه تنهـا غـذا، بلکـه دشـمنان غیرانسانی‌شـان کی و کجـا پیدا می‌شـوند، باید بوم‌شناسـانی از این دسـت بوده‌باشـند (ماخذ: ویکـی پدیای فارسـی، زمان برداشـت: ۱۳۹۴/۱/۲).

۳. بوم‌سـازگان یـا اکوسیسـتم (بـه انگلیسـی: ecosystem) اشـاره بـه گردآوری اجـزا و روش هائی دارد که تشـکیل دهنـده و حاکم بر رفتار برخی زیر مجموعه‌های فضای زیسـتی می‌باشـند. مفهوم ادراک شـده این واژه معمولاً برای اشـاره به عناصر حیاتی و غیر حیاتی و تعامـل آن‌هـا بـا یکدیگـر در محیط‌هـای تعریـف شـده و بـدون در نظر گرفتـن محدودیت‌هـای ذهنـی در خصوص بـزرگ یا کوچک بـودن آن منطقـه، بکار می‌رود (ماخـذ: ویکی پدیای فارسـی، زمان برداشـت: ۱۳۹۴/۲/۲).

۴. سـنگ‌کره یا لیتوسـفر (به یونانی باسـتان: λίθος [lithos] for rocky, and σφαρα [sphaira] for sphere") پوسـته‌ای سفت و سخت است. صفحات بشـقابی شـکل دهنده پوسـته زمین به طور کل از دو نوع سـنگ‌کره‌های اقیانوسـی و سـنگ‌کره‌های قاره‌ای کلفت‌تر تشـکیل می‌شـوند کـه هر نوع پوسـته‌های خـاص خود را دارنـد (ماخذ: ویکی پدیای فارسـی، زمان برداشـت: ۱۳۹۴/۳/۷).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

و قسمت مذاب داخلی است.

۲. **پدوسفر**[1]؛ کره خاکی، که در اثر فرسایش لیتوسفر و بقایای جانداران و پس مانده‌های مواد آلی تشکیل می‌شود و لایه‌ی نازک فوقانی آن برای کشاورزی به کار گرفته می‌شود.

۳. **هیدروسفر**؛ کره آبی مشتمل بر سه‌چهارم آب شور و شیرین است که سطح کره‌ی زمین را فرا گرفته است.

۴. **اتمسفر**؛ کره هوا، که منطقه گازی جو زمین را تشکیل می‌دهد. که خودِ اتمسفر جوّ زمین هم از چند لایه تشکیل شده است.

با توجه به آنچه ذکر شد، اکنون به تعریف محیط زیست می‌پردازیم. یکی از نویسندگان می‌گوید:

«محیط زیست عبارت است از هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبزیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده (شامل کوچه، خیابان، ساختمان، اعم از تاریخی و عادی و کارخانه) و غیره».

بعضی دیگر محیط زیست را این‌گونه تعریف کردند:

«قسمتی از جوّ و یا پوسته‌ی زمین که حداقل برای نوعی زندگی مساعد باشد، محیط زیست نامیده می‌شود، بنابراین محیط زیست، قسمت کوچکی از جوّ (اتمسفر)، این هیدروسفر و لیتوسفر را شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر، محیط زیست قشر نازکی از هوا، زمین و آب است که همه‌ی زندگی را در بر دارد».

«الکساندر کیس» نیز معتقد است:

«اصطلاح محیط زیست را می‌توان به یک منطقه محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده، اطلاق کرد. اصطلاح بیوسفر یا لایه‌ی حیاتی که یونسکو ـ خصوصاً ـ آن را به کار می‌برد، با یکی از وسیع‌ترین تعریف‌ها مطابقت دارد که عبارت است از، محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر، همه‌ی حیات در آن جریان دارد.»

اگر بخواهیم یک جمع‌بندی از تعریف‌های فوق داشته باشیم، باید بگوییم: «محیط زیست، به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد».

انواع محیط زیست

دانشمندان و کارشناسان محیط زیست معتقدند که محیط زیست به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱.**محیط زیست طبیعی:** «محیط زیست طبیعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که در تشکیل آن بشر نقشی نداشته، بلکه از موهبت‌های خدادادی است و شامل جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دشت‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، باطل هم، چشم‌اندازها و غیره می‌گردد. عوامل تشکیل دهنده محیط زیست طبیعی، شامل عوامل جاندار (گیاهان و جانوران) به عوامل بی‌جان (خاک، آب و هوا) می‌باشد».

۲.**محیط زیست انسانی:** «محیط زیست انسانی یا به عبارت دیگر، محیط زیستِ انسان ساخت، به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که به دست بشر ساخته شده و زاییده‌ی تفکّر او می‌باشد».

محیط زیست شهری

شهروندان اغلب شهرهای جهان به بهبود شرایط محیط زیست خود بسیار علاقه‌مند شده و آن را پیگیری می‌کنند. آنها خواهان هوای تمیز، آب پاکیزه، کاهش سروصدا، فضای سبز بیشتر و حفاظت از مناطق

۱. خاک‌سپهر یا پدوسفر (از یونانی πέδον pedon «خاک» یا «زمین» و σφαίρα sfaíra «حوزه، فلک، سپهر») خارجی‌ترین لایه زمین است که از خاک تشکیل‌شده و به فرایندهای تشکیل خاک مربوط است. مجموع کلی تمام موجودات زنده، خاک و آب و هوا به عنوان خاک‌سپهر نامیده می‌شوند؛ خاک‌سپهر پوست کره زمین است و تنها زمانی توسعه پیدا می‌کند که تعاملی پویا بین جو (هوا در خاک و بالای آن)، زیست‌کره (موجودات زنده)، سنگ‌کره (ناسنگپوش و سنگ بستر) و آب‌کره (آب موجود در داخل، زیر و روی خاک) وجود داشته باشد. خاک‌سپهر پایه و اساس زندگی روی سیاره زمین است (ماخذ: ویکی پدیای فارسی، زمان برداشت: ۱۳۹۴/۳/۷).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

زیستگاهی، امنیت در مقابل خطرات ناشی از شرایط ناپایدار خاک و در مجموع شهرهای زیست‌پذیرتری (Livable) هستند. تنها با انقلاب محیط زیستی دهۀ ۱۹۶۰م بود که فعالان و سیاستگذاران برنامه‌های توسعه شهری بر آن شدند تا در مورد پیوند توسعه شهری و محیط طبیعی بیشتر فکر کنند و مواردی مانند حفاظت از محیط در برابر برخی نارواترین دخالتها در محیط زیست طبیعی شهرها را مورد توجه قرار دهند. بنابراین، شکل‌گیری عبارت محیط زیست شهری و تلاش برای حل تضادهای محیط زیست شهری، حاصل رابطه تخریبگرانه انسان با طبیعت در شهرهاست. به‌این‌ترتیب، درک بهتر محیط زیست شهری ابتدا مستلزم شناخت ۲ مفهوم محیط زیست و شهر و ارتباط آنها با مقوله رابطه انسان و طبیعت است. واژه محیط زیست تعاریف مختلفی دارد و معانی آن همگام با تحول جوامع، تغییر یافته است. در یک تعریف جامع، محیط زیست به نظامهای فیزیکی و بیولوژیکی اطلاق می‌شود که پایه‌های اساسی زندگی انسان را فراهم می‌آورند و با آسایش روانی ارتباط دارند. اگرچه محیط زیست انسان، کل فضای حیاتی کره زمین را دربر می‌گیرد و در قالب این مفهوم یک کلیّت و یک واحد تفکیک‌ناپذیر بشمار می‌آید، اما این کلیت واحد همگن و یکنواخت نیست. بنابراین، در مفهوم کلی محیط زیست، ۳ نوع محیط قابل تشخیص است:

۱.محیط طبیعی شامل منابع طبیعی و فیزیکی؛

۲.محیط اجتماعی و اقتصادی که خصوصیات و کیفیات جوامع را شکل می‌دهند؛ و

۳.سکونتگاههای انسانی و به‌طور خاص شهرها یعنی مناطق و مکانهای مؤثر در ایجاد تعادل و رفاه و کیفیت جامعه.

نظریه های زیست محیطی

التفات و چرخش به سوی تاثیرگذاری عوامل جغرافیایی و عوامل گسترده تر زیست محیطی روی مسائل سیاسی، چیزی جز ادامه ی گرایشی قدیمی نیست که به جهان باستان برمی گردد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

۱-«**ارسطو**»: معتقد بود که مردم و محیط آنها از یکدیگر جدایی ناپذیرند و آنها هم از شرایط جغرافیایی و هم از نهادهای سیاسی تاثیر می پذیرند. مثلا مجاورت با دریا، فعالیت‌های تجاری را تشویق می کرد، فعالیت‌هایی که اساس دولت‌شهرها را تشکیل می‌داد، آب و هوای معتدل نیز به رشد روحیه‌ی ملی و نیرو و اندیشه‌ی انسانی کمک می کرد.

۲-«**ژان بِدِن**»: او هم معتقد بود شرایط اقلیمی روی روحیات ملی و همچنین روی سیاست خارجی کشورها تاثیر می-گذارد. وی معتقد است که آب و هوای شمال و معتدل، بهترین شرایط را برای ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر قانون و عدالت مهیا می سازد؛ همچنین، مناطق شمال و کوهستانی برای پیدایش انضباط سیاسی از سرزمین های جنوبی که مانع از خلاقیت می شوند، مساعدترند.

۳-«**منتسکیو**»: او نیز به عوامل اقلیمی متعددی اشاره می کرد که به نظر وی در تقسیمات سیاسی اروپای غربی- در مقابل دشت‌های وسیع آسیا و اروپای شرقی- موثر بوده و به ایجاد روحیه‌ی استقلال‌طلبی سیاسی کمک کرده‌اند. به اعتقاد وی، برای جزایر، حفظ آزادی راحت‌تر از کشورهای قاره‌ای است، چرا که از فشارهای خارجی به دورند. نظریه‌پردازان جدید را نیز می‌توان به جمع گذشتگان اضافه کرد از جمله:

۱-«**هنری توماس باکل**»: این مورخ بریتانیایی معتقد است که آب و هوا، غذا، و خاک پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند. آب و هوا روی تنوع محصولات کشاورزی تاثیر می گذارد و کیفیت مواد غذایی به خاک بستگی دارد. او با توضیحات زیاد به اینجا می رسد که در تمدن های سرزمین های گرمسیر، و در نتیجه با پایین بودن دستمزدها، طبقات کارگری وسیع و افسرده‌ای به‌وجود می آید که این امر عواقب اجتماعی و اقتصادی خاصی را نیز به همراه دارد. به اعتقاد وی، نابرابری شدید در زمینه ی توزیع

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

ثـروت، قـدرت سیاسـی، و نفـوذ اجتماعـی، بسـیاری از تمدن هـای کهـن را به سـوی «مرحلـه ی معینـی از تکامـل و سـپس بـه سـوی افـول» سـوق داده اسـت.

۲-«**الـزورث هانتینگتـون**»: جغرافـی دان و کاشـف آمریکایـی (۱۹۴۷م- ۱۸۷۶م)، آب و هـوا را نه تنها برای سـلامتی، فعالیـت، سـطح تولید مـواد غذایـی، و امکان دسترسـی به سـایر منابـع طبیعی، بلکه بـرای مهاجرت اقـوام و اختـلاط نژادهـا نیـز عامـل تعیین کننـده ای می دانسـت. او نتیجـه می گیـرد کـه اکثـر تمدن هـای عمـده ی دنیـا در سـرزمین هایی به وجـود آمده-انـد کـه میانگیـن سـالانه ی درجـه ی حـرارت آنهـا تقریبـا در مطلوب تریـن حـد بـرای تولیـد حداکثـر انسـان (۷۰- ۶۵ درجـه ی فارنهایـت) بـوده اسـت. تمدن هـای بـزرگ مناطـق اسـتوایی- نظیر قـوم مایاهـا در مکزیک و گواتمـالا، و جاوه ای ها و سـینهالی های باسـتان- تنها در فلات هـای معتـدل و یـا در امتـداد سـواحل خنکـی به وجـود آمده انـد کـه در آنجا درجه ی حـرارت در هیچ یـک از فصل هـای سـال از مطلوب تریـن حـد چنـدان فراتـر نمی رفـت.

۳-«**سـایر نظریه پردازان**»: علاوه بر موارد ذکر شـده بـه دلیـل این که ایـن مقاله مجـال پرداختن بـه تمامی صاحب نظـران را نـدارد لـذا بـه اسـامی نظریه پـردازان شـاخص ژئوپولیتیـک در ایـالات متحده و اروپا بسـنده می کنیـم: ماهـان، آیزیا بومـن، جیمز فیرگریـو، ریچارد هارتشـورن، اسـتیون جونز، جـورج کنان، اوئـن لتیمور، هومرلـی، ژنـرال ویلیـام میچـل، الـن چرچیل سـمپل، الکسـاندر دسورسـکی، نیکـولاس اسـپایکمن، روبـرت اشـتروس- هوپـه، فردریـک جکسـون ترنـر، هانـس وایگـرت، کارل ویتفـوگل، درونـت ویتلزی، و کوئینسـی رایـت[1] (دویـچ، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶).

هـر دو گـروه آرمان گرایـان و واقع گرایـان، انسـان را در رابطـه بـا محیـط زیسـت مـورد بحـث قـرار داده انـد و مفهـوم «محیـط زیسـت» را به نحـوی توسـعه داده اند کـه فرهنگ انسـانی و ویژگی های انسـانی زمیـن را هم در بـر می گیرد:

۱-«**آرمان گرایـان**»: آنها با الهام از آثـار نظریه پردازان عصـر روشـنگری، مدعی انـد کـه رفتارهـای بین المللی را بـا دگرگـون سـاختن محیط نهـادی می تـوان تغییر داد. بـرای ایجاد سـازمان بین المللـی و حکومت جهانی و همچنیـن جهـت ایجـاد قواعـدی بـرای رفتارهـای بین المللـی، طرح هایـی تهیه شـدند تا بـا تغییر محیط سیاسـی بین المللـی، رفتارهـای انسـانی را متحـول سازند.

۲-«**واقع گرایـان**»: در مقابـل، واقع گرایـان در روابـط بین الملـل عمدتـا معتقـد بودنـد کـه محـل جغرافیایـی کشـورها اگـر نـه تعیین کننـده، دسـت کم محدود کننده ی رفتارهای سیاسـی است. اگر رفتارهای سیاسـی واحدهـای ملی تـا حدود زیـادی تابع شـرایط زیسـت محیطی آنها و از جمله عوامل جغرافیایی اسـت، پـس دولت مـردان همـواره بایـد در چهارچـوب عوامـل زیسـت محیطـی بـه فعالیـت بپردازنـد[2].

مدیریت زیست محیطی شهری

هریـک از مسـائل زیسـت محیطی را کـه امروز سـاکنان کـره زمیـن بـا آن روبـرو هسـتند و علتهـای آنهـا و تنگناهایـی که به وجـود آورده اند در نظـر گیریم، به طور مسـتقیم و غیرمستقیم، ریشه در مسـائل شهری دارند. نیروهـا و فرایندهایـی کـه فعالیـت شـهری را تشـکیل می دهنـد، آثـار پردامنـه و بلندمدتـی نه تنها بـرای مرز و بـوم بلافصـل خـود، بلکـه همچنین بـرای کل منطقه دارند. محیط زیسـت شـهری، در گسـترده ترین مفهوم،

۱. ر. ک: دویـچ، کارل؛ و دیگـران؛ نظریه هـای روابـط بین الملـل، ترجمـه ی وحیـد بزرگـی، جلد اول، تهـران، ماجد، چـاپ اول، ۱۳۷۵، صـص ۱۹۶- ۱۹۳

۲. بـرای اطلاعـات بیشـتر مـی توانیـد رجـوع کنید بـه: دوئرتی، جیمـز؛ فالتزگـراف، رابـرت؛ نظریه های متعـارض در روابـط بین الملل، ترجمـه ی علی رضـا طیـب و وحید بزرگی، جلد اول، تهران، چـاپ دوم، ۱۳۷۶، صص ۱۰۷-۱۰۶. همچنیـن؛ ر.ک: قوام، عبدالعلی؛ روابط بین الملـل نظریه هـا و رویکردهـا، تهران، سـمت، چـاپ دوم، بی تا، صـص ۲۱۹- ۲۰۷.

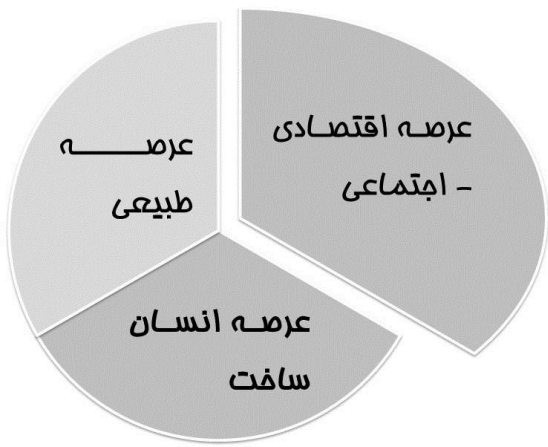
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

شامل منابع (انسانی و غیرانسانی)، فرایندهای تبدیل این منابع به محصولات و خدمات قابل استفاده دیگر و آثار این فرایندهاست که ممکن است منفی یا مثبت باشند. مدیریت زیست محیطی شهری در عرصهٔ شهر، ۳ عرصهٔ اصلی را دربر می‌گیرد:

• **عرصهٔ طبیعی**. منابع، فرایندها و آثار مربوط به پوشش گیاهی، وجود انسانی، معادن، آب، خشکی، هوا، و مثل اینها؛

• **عرصهٔ انسان‌ساخت**. منابع، فرایندها و آثار مربوط به ساختمانها، خانه‌سازی، جاده، راه‌آهن، برق، ذخایر آب، گاز و مانند اینها؛

• **عرصهٔ اقتصادی - اجتماعی**. منابع، فرایندها و آثار مربوط به فعالیتهای انسانی، آموزش و پرورش، بهداشت و سلامت، هنر و فرهنگ، فعالیتهای تجاری و اقتصادی، میراثها و سبک زندگی شهری در مفهوم کلی.



نمودار ۱. عرصه های محیط زیست شهری؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

اسلام و محیط زیست

وظائف زیادی نیز بر عهده دولت اسلامی نهاده شده است که از جمله می‌توان به سیاستگزاری و جعل قوانین مناسب با حفظ محیط زیست و استفاده شایسته از منابع زیست‌محیطی اشاره کرد. بدیهی است که در نظر گرفتن چنین جایگاهی برای دولت به معنای نادیده گرفتن مردم و بخش خصوصی در اقتصاد نمی‌باشد بلکه دولت در نظام اسلامی، ناظر و هدایتگر بخش خصوصی بوده و به همین جهت در عرصه محیط زیست نیز همین نقش را خواهد داشت:

۱.**ترکیب مطلوب دولت و بخش خصوصی**:

توجه به میزان درآمدهایی که در شریعت مقدس اسلام برای دولت در نظر گرفته شده و نیز وظایف و مسؤولیت‌های گسترده‌ای که به عهده آن گذاشته شده، همه از وجود دولتی مقتدر در نظام اسلامی حاکی است. این دولت که مراد از آن، مجموعه دستگاه حکومتی اعم از قوّه مجریّه، مقنّنه و قضائیّه است، در ابعاد گوناگون نظام، وظایفی را به عهده دارد و در عبارتی کوتاه، مسؤول اداره امور مربوط به دین و دنیای مردم و تحقّق اهداف نظام در چارچوب مبانی و اصول مقرر در شریعت است و در حوزه اقتصاد در سه بخش تولید، توزیع و مصرف، وظیفه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، وضع قانون و نظارت بر اجرای قانون را بر عهده دارد. از سوی دیگر، مشارکت مردم در امور برای دستیابی به اهداف، در آموزه‌های اسلامی همان طور که اشاره شد یک اصل است. به‌طور کلّی، حضور دولت در اقتصاد اسلامی، در دو محورِ مقام تشریع و مقام اجرا قابل بحث است. درباره قلمرو اختیارات دولت در مقام تشریع و قانون‌گذاری دو نظریّه وجود دارد. شهید آیت‌اللّه صدر (ره) قلمرو اختیارات حاکم و دولت اسلامی را در مسأله قانون‌گذاری و به تعبیر دیگر، احکام حکومتی، در اموری می داند که اباحه آن از پیش احراز شده باشد که از آن به منطقةالفراغ تعبیر می‌کند (صدر، ۱۳۷۵، ص ۶۸۵)

در مقابل این نظریّه، امام خمینی معتقد است که ولیّ‌امر می‌تواند در حیطه تمام احکام حکومتی تصرّف کند و حکم او بر آنان مقدّم شود. وی احکام صادره از جانب حکومت را حکم اوّلی دانسته و به تبعات این فرضیه که اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی باشد، اشاره کرده، می‌گوید:

«در این صورت، حکومت الاهیه و ولایتِ مطلقه مفّوضه به نبیّ‌اسلام‌صلی الله علیه وآله وسلم یک

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

پدیـده بی‌معنـا و بی‌محتـوا می‌باشـد. اشـاره می‌کنـم بـه پیامدهـای آن‌کـه هیـچ کـس نمی‌توانـد ملتـزم به آن باشـد. مثـلاً خیابان‌کشـی‌ها کـه مسـتلزم تصرف در منزلـی یـا حریـم آن اسـت، در چارچوب احـکام فرعیه نیسـت. نظـامْ وظیفـه و اعـزام الزامـی بـه جبهه‌هـا و جلوگیـری از ورود و خـروج ارز و جلوگیـری از ورود و خـروج هر نحـو کالا و منع احتکار و گمـرکات و مالیات و جلوگیری از گران‌فروشـی، قیمت‌گـذاری و جلوگیری از پخـش مـواد مخـدر و منـع از اعتیادو حمل اسـلحه و صدهـا امثال آن‌که از اختیارات دولت اسـت» (موسـوی خمینـی، ۱۳۷۹: ج ۲۰، ص ۱۷۰)

بر اساس نظـر امام خمینی، هـرگاه اسـتفاده بی‌رویه از منابـع زیسـت‌محیطی موجـب از بین رفتن آن‌ها شـده و یـا برخـی بـا اسـتفاده از تکنولوژی‌هـای جدیـد حجم زیـادی از آن‌هـا را اسـتفاده کـرده و حـق مـردم دیگـر و نیـز نسـل‌های بعـد را از بیـن ببرنـد دولـت می‌توانـد قوانینـی در جهت محدودیت و یا ممنوعیت اسـتفاده از آن منابـع را جعـل کند.

در مقـام اجـرا و تحقّق نظـام اقتصادی اسـلام نیز دولت اختیـارات فراوانـی دارد. شـهید صـدر موارد بسـیاری از دخالـت دولـت را بـه منظـور اجـرای عدالـت اجتماعی، ایجـاد تـوازن در ثـروت جامعـه و نیز رفع فقـر از جامعه یـادآوری می‌کنـد (صـدر، همـان: ص ۶۶۱-۶۸۲).

شـهیدمطهری نیـز بـا این‌کـه اصـل در فعالیت‌هـای اقتصـادی را بـر آزادی افراد و عـدم دخالت دولت مبتنی می‌دانـد، در مـواردی کـه مصلحـت جامعه اقتضـا کند، دخالـت دولـت را تجویـز می‌نماید:

«حکومت اسـلامی حق دارد در یک سلسـله معاملاتی کـه فـی حـد ذاتـه و از نظـر فـردی مجـاز اسـت، روی مصالحـی کـه تشـخیص می‌دهـد، جلـو آزادی اوّلـی را کـه خود شـارع داده اسـت، بگیـرد» (مطهـری، ۱۳۶۴: ص ۱۱۳-۱۱۴).

بنابرایـن، اصـل دخالـت دولـت در اقتصـاد و اداره کلّی اقتصـاد بـه وسـیله دولـت، امـری پذیرفته شـده اسـت. فقـط سـخن در میزان و چگونگـی این تدبیر می‌باشـد. مطالعـه منابـع روایـی و نیـز سـیره پیامبـر اکرم‌صلی الله علیـه وآلـه وسـلم و حضـرت علی‌علیه السـلام بیان می‌کنـد کـه الگـوی ثابتـی در این زمینـه وجود نـدارد؛ چنان‌که در زمان حضرت رسـول، تصـدّی دولت حداقل بـوده و بیش‌تـر فعالیت‌هـای بخـش عمومی بـه صورت داوطلبانـه از سـوی خود مردم انجام می‌شـده اسـت؛ امّا با گسـترش کشـورهای اسـلامی و افزایـش درآمدها، به تدریـج بر دامنـه فعالیت‌هـای دولت افزوده شـد. فتحی احمـد یکـی از محققان اهل سـنّت، علـت کوچک بودن دولـت در زمـان پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسـلم را چنیـن ارزیابـی می‌کند:

۱. کـم بـودن حجـم فعالیت‌هـا کـه ایـن خـود از فقـر جامعـه اسـلامی در آن زمـان ناشـی اسـت.

۲. تقیّـد مسـلمانان در آن زمـان بـه دسـتورالعمل‌های شـرع و توجـه کامـل بـه سـلامت معامـلات از خدعه و خیانـت که نتیجـه آن، کاهش دخالت دولـت در اقتصاد بـود (فتحـی احمـد، ۱۹۹۴، ص ۹۰-۹۴).

بنابرایـن می‌تـوان گفـت که انـدازه دولـت در زمان‌ها و موقعیت‌هـای گوناگـون، متفـاوت اسـت و در وضعی که مـردم در سـطح بالایـی از ایمـان قـرار دارنـد و روحیـه تعـاون، فـداکاری و احتـرام بـه قانـون بـر آنـان حاکـم اسـت و نیـز اقتصـاد در وضعیـت طبیعـی خـود به سـر بـرده، هیچ‌گونـه تهدیـدی از جانـب دشـمنان خارجـی یـا حـوادث غیـر منتظره طبیعـی وجـود نـدارد، در این زمـان، میـزان دخالـت دولـت در نظـارت بر مـردم و به ویـژه تصـدی مسـتقیم فعالیت‌هـای اقتصـادی آن بـه حداقـل خـود می‌رسـد و بیش‌تـر فعالیت‌هـا را بخـش خصوصـی انجـام می‌دهـد؛ امّـا در وضعیتی کـه جامعه اسـلامی دارای ایمـان ضعیفـی بوده، در اثـر حاکم بودن روحیـه خودخواهی و نفع پرسـتی و دنیاطلبی، تخلّفات و قانون‌شـکنی‌ها فـراوان اسـت یـا کشـور از جانـب بیگانـگان و حـوادث طبیعـی تهدیـد می‌شـود، دخالت دولـت در حداکثـر خـود قـرار می‌گیـرد. (میرمعـزی، ۱۳۸۰: ص ۱۲۷؛ دادگر، ۱۳۷۸:ص ۲۷۵ - ۲۷۲؛ هیئت نویسـندگان، ۱۳۷۵:ص ۲۹۰ - ۲۸۷)

دربـاره چگونگـی اسـتفاده از منابـع زیسـت‌محیطی دیدگاه‌هـای فراوانـی مطـرح شـده اسـت. در ایـن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

دیدگاه‌ها، حد افراطی انسان‌مداری طرفدار استفاده بی حد از منابع به منظور رشد اقتصادی بوده، در حالی که بوم محوران به شدت از محیط زیست حمایت کرده و در حد افراطی آن حداقل استفاده از منابع را توصیه می‌نمایند. امروزه دیدگاه‌هایی که با اصل قرار دادن رشد اقتصادی، اعتقاد به حداکثر بهره کشی از منابع زیست‌محیطی دارند و به اقتصاد ضدسبز معروف شده‌اند حداقل در مقام تئوری طرفدار ندارد، از طرفی اقتصاد بسیار سبز نیز که بدنبال حداقل رسانیدن برداشت از منابع است نیز مواجهه با واقعیت عملی نبودن شده است. زاکس در این باره می‌گوید: لازم است معیارهای نادرست افراطی و تفریطی طبیعت‌گرایی یا تصنع‌گرایی در نظام‌های بوم زیستی رها شود و به جای آن که تلاش شود تا برای روابط میان انسان و طبیعت مقررات و قواعد غیر عملی و حتی غیرضروری وضع شود، کوشش شود تا راه‌هایی برای احیای منابع طبیعی پیدا شود، که هم از لحاظ اجتماعی مفید باشد و هم از لحاظ بوم‌زیستی احتیاط‌آمیز (زاکس، ۱۳۷۳ش: ص ۳۰). به همین جهت امروزه اغلب اقتصاددانان به دنبال بهره‌برداری مدیریت شده از منابع طبیعی می‌باشند، به گونه‌ای که ضمن حفظ پایداری این منابع و به حداکثر رساندن منافع آن‌ها، تا جایی که ممکن است از آلوده‌سازی محیط نیز احتراز شود. در نظام اقتصادی اسلام، با این که بر اساس تصریح قرآن همه چیز برای انسان و در خدمت انسان قرار داده شده است با این وجود دیگر موجودات نیز محترم بوده و رعایت حقوق آنان بر انسان لازم است بعلاوه حتی اگر بخواهیم این منابع به عنوان نعمت خدادادی برای انسان باقی بماند نوع نگاه و نیز برخورد ما با این منابع تفاوت خوهد کرد. مطالعه ویژگی‌های رشد اقتصادی در آموزه‌های اسام مؤید این ادعا است. توسعه یافتگی در نگاه اسلامی، صرفاً مقدمه‌ای برای رفاه عمومی است و رفاه مورد نظر مکاتب الاهی دربرگیرنده ابعاد معنوی نیز خواهد بود و انسان در بستر توسعه، نه گرفتار دستاورد رشد خود ساخته خود شده و دچار بحران معنویت و به دنبال آن بحران هویت و نه گرفتار زهد خشک و روح صوفیانه، بلکه با برخورداری از مواهب دنیا در کنار آینده روشن اخروی، در مسیر عدالت، طی طریق می‌کند. توسعه اسلامی به عنوان گامی در جهت رفاه عمومی از ویژگی‌های چندی برخوردار است که آن را از سایر نظام‌ها متمایز می‌سازد:

۱. مشروعیت: تحقق رفاه و آسایش مردم باید از راه‌های مشروع تحقق یابد و موجب ارتکاب حرام یا تضییع حقوق دیگران نشود. آهنگ شدید رشد اقتصادی در برخی کشورها تخریب محیط زیست و از بین بردن برخی گونه‌های حیاتی را بدنبال داشته است که علاوه بر این که از مشروعیت برخوردار نیست به تضییع حقوق دیگران نیز منجر می‌شود.

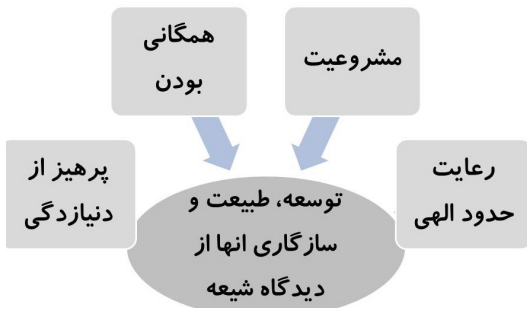
۲. همگانی بودن: توزیع مناسب ثروت و دارایی در نظام اقتصادی اسلاک که زیر بنای رشد عادلانه است مقتضی این است که استفاده از منابع زیست محیطی منحصر به گروه و نسل خاص نباشد. بلکه عموم مسلمانان و افرادی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، از رفاه آن برخوردار شوند. در نظام اسلامی حتی به حقوق اقلیت‌ها نیز توجه شده است.

۳. رعایت حدود الاهی: رفاه در توسعه‌ی اسلامی به عدم اسراف و تبذیر محدود است. آن‌چه امروزه در بسیاری از کشورها رفاه خوانده می‌شود، از نظر مواد مصرفی و مقدار آن، نوعی اسراف است. ترویج فرهنگ مصرف کالاهای لوکس، به منظور افزایش تقاضا برای فرآورده‌های کارخانه‌ها، به‌معنای از بین بردن منابع اولیه‌ی متعلق به نسل‌های آینده و آلوده ساختن محیط زیست است و از مصادیق و نمونه‌های اسراف در چنین جوامعی شمرده می‌شود.

۴. پرهیز از غفلت و دنیازدگی: همانطور که در اولین هدف اشاره شد مهمترین هدف نظام اقتصادی اسلام تحقق نیکبختی وی یعنی نزدیکی به خداوند متعال است. بنابر این، استفاده از این نعمت‌ها باید به فزونی شکر انسان و تربیت و تهذیب وی بینجامد نه غفلت و سرکشی؛ به‌عبارت دیگر، در توسعه‌ی اسلامی رفاه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مطلـوب اسـت نـه اتـراف. از آن‌جـا کـه به‌طـور معمول ثـروت بسـیار بـه غفلـت از یاد خـدا می‌انجامـد و آثاری چـون طغیـان و گناه درپـی دارد؛ رهبـران الاهی پیروان خـود را بـه داشـتن حـد کفـاف از نعمت‌ها و خواسـتن آن از خداونـد سـفارش کرده‌اند (دفتر همـکاری حوزه و دانشـگاه، ۱۳۷۴ش: ص ۲۱۰)



نمودار ۲. مفهوم سازگاری توسعه آرمانی شهر و محیط زیست از دیدگاه شیعه؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

عدالت زیست‌محیطی در اسلام

در یـک نگاه کلی، و بر اسـاس اعتقـاد به عدالت تکوینی خداونـد، جهـان براسـاس عدل خلق شـده اسـت، قران مجیـد آفرینـش آسـمان‌ها، خورشـید و مـاه را منظـم، ضابطه‌منـد و بـدون هیچ‌گونه نقص دانسـته، می‌فرماید: هـر قـدر در پـی یافتـن نقصـان در خلقـت بنگـری، درماندگـی و زبونـی بیشـتری را تجربـه می‌کنی (ملک (۶۷)، ۳ و ۴). بنابرایـن تمـام گونه‌های حیوانی و گیاهی و نیـز آنچـه در زمین و آسـمان اسـت، در چرخه حیات ضـروری اسـت. از طـرف دیگـر نعمت‌هـای خداونـد به همـه انسـان‌ها تعلـق دارد و حتی سـایر موجـودات نیز از ایـن مواهب سـهم دارنـد و در برخی مواقـع حق آنان بـر انسـان مقـدم می‌شـود. حقـوق نسـل‌های آتـی نیز در اسـتفاده از منابـع گوشـزد شـده اسـت. بحـث توزیع اولیـه منابـع، یکی از مباحث مورد توجـه نظام اقتصادی اسـلام بـوده و راهکارهایـی بـه منظور تحقـق عدالت در توزیـع ارائـه شـده اسـت. تشـریع مالکیت دولتـی برای منابـع طبیعـی (فـیء) طبـق تصریـح قـرآن مجیـد به همیـن منظور اسـت.

مَـا أَفَـاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُـولِهِ مِنْ أَهْـلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُـولِ وَلِـذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَـاكِينِ وَابْنِ السَّـبِيلِ كَيْ لَا يَكُـونَ دُولَـةً بَيْـنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (حشـر (۵۹)، ۷) آنچه خـدا از (دارایـی) سـاکنان آن قریه‌هـا عایـد پیامبـرش گردانیـد، از آن خـدا و از آن پیامبـر (او) و متعلـق بـه خویشـاوندان نزدیـک (وی) و یتیمان و بینوایـان و درراه ماندگان اسـت، تا میان توانگران شـما دسـت به دسـت نگردد.

دیـن اسـلام کـه همـواره در آموزه‌هـای نورانـی خویش مطابق با فطرت آدمیان راه وسـط را پیش گرفته اسـت در برخـورد بـا طبیعـت و مواهب طبیعی نیـز نه آنچنان دسـت انسـان را باز گذاشـته تا هر نـوع تصرفی بخواهد در آن‌هـا بکنـد و بـه بهـای نابـودی ایـن نعمت‌هـای خـدادادی، زندگـی خـود را اداره کند و تجمل بخشـد و نـه اجـازه می‌دهد بشـر طبیعـت را به‌علت عظمـت آن، خدای خویش دانسـته، در مقابل آن به سـجده بیفتد و هیچ‌گونـه تصرفـی در آن نکند و صرفاً بـه دیده تقدیس بـه آن بنگـرد، بلکـه در عیـن این‌کـه فرمـوده اسـت ما همه جهان را برای آسـایش انسـان و مسخر و فرمانبردار او آفریده‌ایـم، از طـرف دیگر آن‌ها را موجوداتی فاقد روح ندانسـته، بلکـه آیه و کلمـه خداونـد، و موجوداتی دارای شـعور نسـبی کـه تسـبیح‌گوی خداوندند معرفـی کرده و بـرای همـه آن‌هـا اعـم از حیـوان و گیـاه حقوقـی در نظـر گرفتـه، انسـان‌ها را به رعایـت آن حـدود و حقوق دعـوت می‌کنـد؛ به‌گونـه‌ای کـه اگـر در اثر کمـی آب یا اسـتفاده آن بـرای وضو یا غسـل، جـان حیوانی در خطر باشـد، وضوگرفتن یا غسـل‌کردن جایز نیسـت و وظیفه شـخص تبدیل به تیمم می‌شـود. آیـات و روایات ضمن توجـه‌دادن بـه مظاهـر طبیعـی، و احتـرام آنان، بشـر را بـه حفاظـت از منابـع موجـود در طبیعـت و اسـتفاده صحیـح از آن‌هـا تشـویق، و هرگونـه بهره‌بـرداری نـاروا، اعـم از اسـراف و اتـلاف و تضییـع حقـوق دیگـران اعـم از نسـل‌های فعلـی و بعـدی را نهـی کرده اسـت. دولت اسـلامی در راسـتای تحقق این هدف، وظیفه مهمی در فرهنگ‌سـازی عمومـی، فراهم آوردن زمینه‌هـای لازم و در نهایـت راهکارهـای عملی در جلوگیـری از تخریب و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

برخـورد بـا مجرمان خواهد داشـت.

جهت‌گیـری اسـلام در آفرینـش انسـان ایـن اسـت که خداگونـه شـود و همـه زمینه‌هـای لازم اعـم از عقـل و فطـرت بـه عنوان رسـول باطنـی در کنـار پیامبـران به همـراه کتاب راهنمـای زندگی، را در اختیار او گذاشـته و از جملـه بـه او سـفارش کـرده امانتی را کـه به عنوان ابـزاری در راسـتای تکامـل او در اختیـارش نهاده شـده بـه خوبـی حفـظ کنـد. هـرگاه آدمیـان بـه ایـن تعالیم گـوش جـان سـپرده و عمل کننـد و راه و رسـم بندگی و خلیفۀاللهـی را بپماینـد و بـا امانتـی کـه خداونـد در اختیارشـان قـرار داده، براسـاس رهنمودهای ارائه شـده از جانـب دیـن عمـل نماینـد، مشـکلات فراوان زیسـت محیطـی کـه اکنـون بـا آن مواجـه هسـتیم رخـت بـر می‌بنـدد. مثـلاً هـر گاه انسـان‌ها حقـوق یکدیگـر را رعایـت کننـد، در بهره‌بـرداری از مواهـب طبیعـت راه اعتـدال را پیش گرفتـه و دسـت از زیادت‌طلبی، حرص وآز، اسـراف و اتـلاف بردارنـد، در ایـن صـورت همیـن دنیـای خـود را بهشـت می‌یابنـد. بـا ایـن وجـود علاوه بـر ایـن کـه جهت‌گیـری ادیـان الاهی رسـیدن انسـان بـه نقطـه اوج کمـال و انسـانیت اسـت بـرای پرهیـز از غیـر واقع‌گرایـی، راهکارهایـی در متـن دین دیده شـده تـا جوامـع در هـر سـطحی از ایمـان به خداونـد و عامل بـه فرامیـن و رهنمودهای دینی باشـند بتوانند محیطی نسـبتاً سـالم داشـته و از تجـاوز انسـان‌های متخلـف جلوگیـری کنند. دولت اسـلامی، همنگونه که در بخش قبلی مقاله اشـاره شد از اختیارات گسـترده‌ای برخوردار اسـت و مسـئولیت اجـرای احـکام اجتماعی شـریعت را عهـده‌دار می‌باشـد. در حفـظ محیط زیسـت نیـز علاوه بـر فراهـم کـردن زمینـه تربیت مسـلمانان بـه گونه‌ای کـه خودجـوش ایـن وظیفه مهـم خـود را انجـام دهند ضامـن اجرایـی ایـن هـدف را بـر عهـده دارد. بـه طـور کلی، رابطه انسـان بـا طبیعت پیرامـون او را می‌توان در دو محـور مـورد توجه قـرار داد. محـور اول که چگونگی بهره‌بـرداری از منابع طبیعی اسـت بـه گونه‌ای که منجر بـه از بیـن رفتـن گونه‌هـای گیاهـی و جانـوری و منابع تجدیـد شـونده نشـود. در این قسـمت تشـریع مالکیت دولتـی و عمومـی بـرای این منابـع، دولـت را در اجرای سیاسـت‌های زیسـت‌محیطی توانا سـاخته اسـت که بر طبـق اصـول پیش‌گفتـه بهره‌بـرداری از ایـن منابـع را بـه گونـه‌ای خوبـی برنامه‌ریـزی کنـد تا ضمـن حداکثر بهـره‌وری ممکـن عدالـت درون نسـلی و بین‌نسـلی نیز رعایـت گـردد. بـه همیـن جهت آیـات و روایـات زیادی بـا ایـن نگرش وجـود دارد که بـه بعضی از آن‌هـا از باب نمونـه اشـاره می‌کنیم.

۱. خداونـد انسـان را بـه عنـوان نماینده و جانشـین وَإِذْ قَـالَ رَبُّـکَ لِلْمَلَائِکَـۀِ إِنِّـی جَاعِـلٌ فِـی الْأَرْضِ خَلِیفَـۀً و امانتـدار خـود معرفـی نموده(بقـره (۲): ۳۰) و اسـباب خلافت را با تعلیم اسـمای حسـنای خـود برایش فراهم نمـوده وَعَلَّـمَ آدَمَ الْأَسْـمَاءَ کُلَّهَا (بقـره (۲): ۳۱) و ضمن آن از او خواسـته بـه آبـادی امانتـی کـه در به او سـپرده شـده یعنـی زمیـن و مظاهـر آن بپردازنـد و آن را از هر گونـه گزنـد و تباهـی بـازدارد. هُـوَ أَنشَـأَکُمْ مِـنْ الْأَرْضِ وَاسْـتَعْمَرَکُمْ فِیهَا (هـود (۱۱۹): ۶۱).

۲. روایـات فراوانـی دربـاره تأکید دین بر نظافـت (اعم از نظافـت شـخصی، منزل و محیـط) وارد شـده و حتی از اصول و نشـانه‌های ایمان دانسـته شـده، بعـلاوه خداوند عبـادات خـود را نیـز بـا نظافـت قریـن سـاخته اسـت. وضـو و غسـل کـه مسـلمانان بـه آن رهنمـود شـده‌اند بـه نظافـت تعلیـل شـده اسـت (مجلسـی، ۱۴۰۳ه: ج ۶۳،ص ۳۶۴؛ ج ۷۸، ص ۲)، هنـگام رفتـن بـه مسـاجد سـفارش شـده اسـت که مسـلمانان بهترین لباس خود را بپوشـند. همچنین در روایتـی از امام صادق(ع)، آمده است:

لاتطیـب السـکنی إلا بثلاث الهواء الطیـب و الماء الغزیر العـذب و الأرض الخـوارة .(مجلسـی، همـان: ج ۷۵، ص ۲۳۴).

زندگـی بـدون داشـتن سـه چیـز بـر انسـان گـوارا نمی‌باشـد: هـوای تمیـز، آب فـراوان و گـوارا و زمیـن حاصلخیـز.

روشـن اسـت کـه مـوارد فـوق از مصادیـق بـارز محیط زیسـت سـالم و در نتیجـه داشـتن زندگـی بـا نشـاط می‌باشـد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

۳. در روایات فراوانی به حفظ راه‌ها، آب‌ها و سایر اماکن عمومی توجه داده شده و از هرگونه آسیب‌رساندن به این ثروت‌ها نهی شده و از کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، تمجید شده است چنانچه براساس روایت پیامبر اکرم(ص) هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث رنجش رهگذران است برطرف کند خداوند اجر خواندن ۴۰۰ آیه از قرآن برای او ثبت می‌کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): مَنْ أَمَاطَ عَنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِمِائَةِ آيَةٍ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا بِعَشْرِ حَسَنَاتٍ (نوری، همان: ج ۱۲،باب ۱۹ از ابواب فعل المعروف، ح ۳ ص ۳۸۵)

به همین جهت امام سجاد(ع) هر گاه کلوخی را در راه می‌دیدند از مرکب پیاده شده و آن از سر راه برمی‌داشتند.

عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ(ع) قَالَ: لَقَدْ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ(ع) يَمُرُّ عَلَى الْمَدَرَةِ فِي وَسَطِ الطَّرِيقِ فَيَنْزِلُ عَنْ دَابَّتِهِ حَتَّى يُنَحِّيَهَا بِيَدِهِ عَنِ الطَّرِيقِ (همان: ح ۴).

از آن طرف کسانی که مسیر مردم را آلوده کرده یا مانعی در آن ایجاد می‌کنند سرزنش شده‌اند رسول گرامی اسلام (ص) فرموده‌اند:

ثَلَاثٌ مَلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ: الْمُتَغَوِّطُ فِي ظِلِّ النُّزَّالِ وَ الْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُنْتَابَ وَ سَادُّ الطَّرِيقِ الْمَسْلُوكِ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۳۲۵)

سه گروهند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند: الف. کسانی که اماکن عمومی، سایه‌بان‌ها و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند. ب. کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند. ج. کسانی که سد معبر کرده و مانع عبور عابران شوند.

در روایت دیگری، امام صادق(ع) از قول پدرانش از پیامبر خدا(ص) نقل می‌کند:

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ(ص) أَنْ يُتَغَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ بِئْرِ مَاءٍ يُسْتَعْذَبُ مِنْهَا أَوْ نَهَرٍ يُسْتَعْذَبُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ فِيهَا ثَمَرَتُهَا (همان).

پیامبر اکرم(ص) از قضای حاجت در کنار چاه آب آشامیدنی، نهر آب، و یا زیر درخت میوه نهی کردند. همه این‌ها بر اهتمام دین بر پاکیزگی محیط زندگی و حفظ آن از هر گونه آلودگی دلالت دارد حتی در مواردی کارهایی از این قبیل ضمان‌اور دانسته شده است، از جمله امام صادق(ع) می‌فرماید:

«من اخرج میزاباً او کنیفاً او اوتد وتداً او اوثق دابهٔ او حفر شیئاً فی طریق المسلمین فاصاب فعطب فهو له ضامن» (حرّ عاملی، همان: ج ۲۹، ص ۲۴۵) یعنی هر کس ناودان یا گودال و یا چاهی در راه مسلمانان ایجاد کند و یا میخی در جای بکوبد و یا حیوانی را در جایی ببندد و کسی در اثر برخورد با آن صدمه ببیند ضامن آن است.

۴. در روایات زیادی مسلمانان تشویق به درختکاری، زراعت و سایر فعالیت‌هایی که به نحوی در طراوت و سرسبزی محیط مؤثرند، شده‌اند از جمله در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْساً أَوْ يَزْرَعُ زَرْعاً فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةً (نوری، ۱۴۰۷ق: ج ۱۳، ۴۶۰، ح ۳).

مسلمانی که نهالی بکارد یا زراعتی به‌عمل آرد و ازآن انسان، پرنده، یا حیوانی استفاده کند، در نامهٔ اعمال او ثواب صدقه نوشته می‌شود. و نیز فرموده‌اند: کسی که درخت میوه‌ای بکارد، خداوند به اندازه ثمر آن به او اجر می دهد.

مَنْ غَرَسَ غَرْساً فَأَثْمَرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرَةِ (همان: ح ۴).

امام صادق(ع) زراعت و کشاورزی را از محبوب‌ترین اعمال دانسته و فرموده است تمامی پیامبران غیر از ادریس که شغل خیاطی داشت،کشاورز بودند.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الزِّرَاعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً إِلَّا زَرَّاعاً إِلَّا إِدْرِيسَ ع فَإِنَّهُ كَانَ خَيَّاطاً (همان: ص ۴۶۱، ح ۳).

۵. احترام به محیط زیست و انواع گونه‌های جانوری و گیاهی در مناسک حج و در حرم امن الهی به مسلمانان یادآوری می‌شود شکار صید و قطع نمودن اشجار و گیاهان در حالت احرام از محرمات محسوب شده و در صورتی که حاجی مرتکب آن شود باید

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

کفـاره بپـردازد و نکتـه قابل توجه این اسـت کـه کفاره تمـام محرمـات احرام مبتنی بـر تعمد و قصد اسـت در حالـی که نسـبت بـه صید حتـی در صورت عـدم توجه نیـز باید کفـاره بدهد.

۶. نهادینـه سـاختن فرهنـگ ایندهنگـری و و خـروج از پیلـه خودنگـری، در روایـات و نیـز آموزههـای فقهـی فـراوان بـه چشـم میخـورد. روایاتی کـه انسـانها را به عمـران و آبـادی زمین تشـویق میکند؛ تشـویق به ارث باقـی گذاشـتن و بـه فکر آینـده فرزندان بودن؛ تشـویق بـه وقـف و صدقات جاریـه؛ از این قبیل هسـتند. بهطور طبیعـی، چنین فرهنگی، تدبیر نسـبت به آینده محیط زیسـت را نیز به همـراه دارد.

در روایتـی از پیامبـر اکـرم تشـویق بـه آیندهنگـری بـه خوبـی ترسـیم شـده اسـت حضـرت فرمودهانـد:

إِنْ قَامَتِ السَّـاعَةُ وَ فِی یَدِ أَحَدِکُمُ الْفَسِـیلَةُ فَإِنِ اسْـتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُـومَ السَّـاعَةُ حَتَّی یَغْرِسَـهَا فَلْیَغْرِسْـهَا (همان: ح ۵)

هـرگاه نهـال خرمـا جهتکاشـتن در دسـتتان بـود و قیامـت برپا شـد، اگر قادر بر کاشـت آن تـا وقوع قیامت بودیـد، آن را بکاریـد. آبادی و عمران زمین برای انسـان مطلوبیـت دارد، گرچه کسـی از آن بهـره نبرد.

هویت و هویت فضای شهر شیعی

در لغتنامـه دهخـدا در بیان ریشـه و اصـل کلمه هویت لفـظ «هو» آورده شـده اسـت و در کنـار معانی مختلف بـه واژهای بـه نام «تشـخص» اشـاره شـده اسـت که در واقـع بـه آن به عنـوان معادل فارسـی هویت نگریسـته میشـود. «تشـخّص، جدایـی و ممتـاز شـدن، تعیّـن یافتن، انفراد، شـخصیت و بزرگـی و آنچه بدان چیزی از غیـر خـود ممتاز شـود. چنانچه غیـر، دیگـر در آن چیز مشـارک نباشـد، تعریف شـده اسـت» (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۵۹۰۸). در فرهنـگ فارسـی معیـن نیـز در کنـار سـه معنـی عـام بـا معانـی چـون: ۱- ذات بـاری تعالی؛ ۲- هسـتی، وجود؛ و ۳- آنچه موجب شناسـایی شخص باشـد (مثـل ورقـه هویـت، شناسـنامه)، بـه یـک معنی خاص (فلسـفی) اشـاره شـده اسـت؛ در فلسـفه، هویت بـه حقیقـت جزئیـه تعریف شـده اسـت. یعنی هـر گاه ماهیـت با تشـخص لحـاظ و اعتبار شـود، هویت گویند و گاه هویـت بـه معنـی وجـود خارجـی اسـت و مـراد تشـخیص اسـت (معیـن، ۱۳۷۱، ص ۵۲۲۸).

در زبـان لاتیـن واژه هویـت را در برابـر واژه «Identity» برگزیدهاند. این واژه از قرن شـانزدهم در زبان انگلیسـی کاربـرد داشـته اسـت و شـکلهای دیگـر آن در سـایر زبانهـای اروپایـی از واژه «Identities» در لاتیـن متاخر گرفتـه شـده اسـت. «Identities» از دو بخـش «Iden» بـه معنـای «همـان» و «Entities» بـه معنـای «وجود» تشـکیل شـده اسـت. در فرهنگهـای معاصـر زبـان انگلیسـی نیـز معانی بسـیاری بـرای تعریـف واژه هویت آورده شـده است. در فرهنگ وبسـتر (۱۹۸۸، ص ۵۹۷) در برابـر واژه «Identity» معانـی اصلـی زیـر ذکـر شـده است.

۱- همانندی، تشـابه ویژگی و خصیصه اساسـی یا کلی در مـوارد مختلـف (شـباهت)، (ب): هماننـدی و تشـابه در همـه آن چیـزی کـه تشـکیل دهنـده واقعیت عینی شـیئی اسـت (کیفیت، حالـت و حقیقت یکـی بودن)؛

۲-ویژگی یا شخصیت متمایز کننده فرد؛ و

۳- حالتـی از همانـندی و تشـابه با چیزی بیان شـده یا ادعا شـده.

در فرهنـگ آکسـفورد (۱۹۸۹، ص ۶۲۰) نیز دو دسـته معنـی در تعریـف واژه هویت آورده شـده اسـت؛

۱- کیفیـت یا شـرایط (وضعیت) یکسـان (همان) بودن در مـواد، ترکیـب، طبیعـت، خصوصیات یـا در کیفیات ویـژه (ب) یکسـانی مطلـق و اساسـی (ج) یکـی بـودن، یگانگی

۲- همانـندی و تشـابه شـخص یـا چیـزی در همـه زمانهـا یـا همـه شـرایط و اوضـاع (ب) وضعیـت یـا واقعیتـی کـه یـک شـخص یـا چیزی خـودش باشـد و نـه چیز دیگری (ج) فردیت، شـخصیت، وجود شـخصی و فـردی، خـود همـان چیـز بودن (د) شـرایط شـناخته شـدن در احساسـات و علایـق (بهزادفـر، ۱۳۸۶).

از نظـر «اسـتوارت هـال» (۱۹۹۱الـف، ص ۴۷)، بـا نگاه هگلـی، هویـت یـک رونـد در حـال شـدن اسـت و از طرفی یک شناسـنامه و عامل شناختهشـدن محسـوب

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

می‌شود، هویت همواره از طریق تقسیم شدن، معنا پیدا می‌کند، تقسیم بین اینکه من چه هستم و دیگری چه هست؟ (حقیقی، ۱۳۸۶) اساساً هویت مربوط به ذهنیت مشابهی است که فرد با دیگری دارد، به قول استوارت هال (۱۹۹۱ الف، ص ۴۹) هویت مربوط به افرادی است که مشابه هم حرف می‌زنند، مشابه هم فکر می‌کنند، از احساسات مشابه برخوردار هستند. لذا هویت همواره از جایگاه دیگری تعریف می‌شود. هویت همواره یک مفهوم ارتباطی بوده است (بارت، ۱۹۶۹)، به این معنا که ما بوسیلهٔ تشابه‌ها و تفاوت‌هایی که با دیگران داریم شناخته می‌شویم (میناگال و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۶۱). هویت به ریشه‌های زندگی، روش‌ها و منش‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم، گره خورده است. منظور از روش‌های زندگی، اموری است که خصیصه‌های خاص زندگی ما را منعکس می‌کند. اموری مثل آداب و رسوم اجتماعی، مذهب، نوع لباس پوشیدن، غذا خوردن، گذران اوقات فراغت و خلق وخوی‌های مربوط به روابط اجتماعی، نمونه‌هایی است که هویت یک جامعه را از جامعهٔ دیگر و یا حتی هویت یک فرد را از فرد دیگر متمایز می‌کند (حقیقی، ۱۳۸۶). روان‌شناسی را شاید بتوان یکی از معدود حوزه‌های معرفت بشری دانست که در آن هویت، تعریف و مفهوم نسبتاً روشنی دارد. در روان‌شناسی یکی از مشخصات شخصیت را احساس هویت می‌دانند و آن عبارت است از احساسی که انسان نسبت به استمرار حیات روانی خود دارد و یگانگی و وحدتی که در مقابل اوضاع و احوال متغیر در خارج همواره در حالت روانی خود احساس می کند (کلاین برگ، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۱۱ به نقل از پاکنژاد). در واقع می‌توان گفت مفهوم هویت در روان‌شناسی با نام «اریکسون» درهم آمیخته است. به نظر اریکسون، هویت خود انگاره‌ای است که در طی نوجوانی شکل می‌گیرد و افکار فرد را درباره این که کیست و چه کسی می‌خواهد باشد، با یکدیگر تلفیق می‌کند (نوربرگ شولتز، ۱۳۷۷، ص ۳۵۰ به نقل از پاکنژاد).

در جامعه‌شناسی نیز مقوله هویت به عنوان یکی از مهمترین ویژگی و خصوصیات افراد و گروه‌های اجتماعی از جایگاه با اهمیتی برخوردار است و دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی در مورد آن ارائه شده است. از نظر آنتونی گیدنز "هویت مربوط به فهم افراد در مورد این که چه کسی هستند؟" و "چه چیزی برای آنها مهم است" تبیین می‌شود. این فهم هویتی، منتزع از منابع معناساز مهمی مثل دین، ملیت، نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی و تمایلات گروهی و قومی و حتی محل سکونت می‌باشد. به عقیده «گیدنز» هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را بطور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۷۸، صص ۸۳-۸۲)

در مقابل این دیدگاه که هئیت شخص را بازتابی از خود آگاهی شخص به خود تعریف می‌کند. عده‌ای دیگر از جمله جامعه‌شناسان نظریه کنش متقابل نمادی، اعتقاد دارند که هویت قبل از آنکه پدیده‌ای فردی باشد امری اجتماعی است (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۲۱). در حقیقت، هویت مجموعه‌ای از صفات و مشخصات است که باعث تشخیص یک فرد از افراد دیگر و یا یک شیء از اشیای دیگر می‌گردد و هدف از تعیین هویت، پیدا کردن تفاوت اشخاص و اشیاء از یکدیگر است. فرآیند تشخیص هویت فرآیندی است قیاسی بین عینیت موجود (Object) با داده‌هایی از آن در ذهن (Subject) هر ابژه یا هر فضا با آن، که یک موجودیت خارجی مستقل است. ولی در فرآیند ادراک تبدیل به یک پدیده ذهنی می‌شود (دانشپور، ۱۳۷۹).

با توجه به فرهنگ هر جامعه ای شهروندی یک نوع ایده قومی است که از ارزش ها، هنجارها، قوانین، اخلاق و... حاکم بر جامعه شکل می گیرد. به نظر گیدنز در فرهنگ شهروندی باید «شهروندی را یک مثال عالی از دوگانگی ساختاری در نظرگرفت که

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]



نمودار ۳. شهروندی، شهر و مدیریت در شهر، ماخذ: نجاتی حسینی، ۱۳۸۰.

نمی‌توان در آن فرد و جامعه را دقیقاً به عنوان ایده‌های مخلف و دشمن یکدیگر درک کرد. در عوض کارگزاری فرد و کردارهای اجتماعی به طور متقابل و به هم وابسته‌اند. فرد از طریق اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را بازتولید می کند» (نامی،۱۳۸۴، ص ۱۵).

دولت، فضای شهری و محیط زیست

در رابطه با نقش دولت در حاکمیت مطلوب، در ادبیات مدیریتی، رویکردهای مختلفی مطرح شده است. «آزبورن و گیلبر» (۱۹۹۲) با طرح مدل بازآفرینی دولت، رقابتی بودن، مشتری محوری، پیش نگری، مدیریت محوری وتسهیل گری را از ویژگیهای دولت خوب بر می‌شمارند. (Osborn and gaebler ,۱۹۹۲)

آزبورن و گیلبر با طرح مدل بازآفرینی دولت در سال ۱۹۹۲، راهی نوین برای کارآمد تر نمودن دولت را در قالب دولت کارآفرین پیشنهاد می‌دهند و معتقدند که الگوی دولت کارآفرین در مدل بازآفرینی دولت راهی خلاق در رویارویی با مشکلات در بخش دولتی ارائه می‌کند. آنها با نقد بوروکراسی آن را مناسب دنیای جدید نمی‌دانند و راه کار بدیل را از طریق تأمین بسترها و تسهیلات لازم برای انجام امور از طریق خود مردم پیشنهاد می‌کند. آنها چند پیشنهاد برای اصلاحات بخش دولتی ارائه می‌دهند.

۱-«**دولت تسهیل گر**»: هدایت به جای اجرا؛ بر این اساس دولت کارآفرین بایستی بیشتر به فکر سیاستگذاری باشد تا اینکه نهادهایی برای پاسخ به نیازهای جامعه ایجاد کند؛

۲-«**دولتی که خواهان اجتماعی خودگردان است**»: توانمندسازی به جای خدمت رسانی را بایستی سرلوحه کار خود قرار دهد؛

۳-«**دولت رقابتی**»: رقابت، شایسته سالاری و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

خلاقیت را در خدمت رسانی ایجاد می‌کند، انحصار دولتی را مجبور به پاسخ گویی به نیازهای مشتریان می‌کند و خلاقیت را تشویق و انحصار را از بین می‌برد؛

۴-**«دولت ماموریت محور به جای سازمان قانون محور»**؛

۵- **«دولت نتیجه محور»**: که در آن سرمایه‌گذاری روی ستاده‌ها انجام می‌گیرد و نه داده‌ها؛

۶- **«دولت مشتری محور»**: که به نیازهای مشتری نه بوروکراسی توجه دارد؛

۷- **«دولت درآمد زا»**: که ایجاد درآمد به جای هزینه، اصل و محور فعالیت‌ها قرار می‌گیرد؛

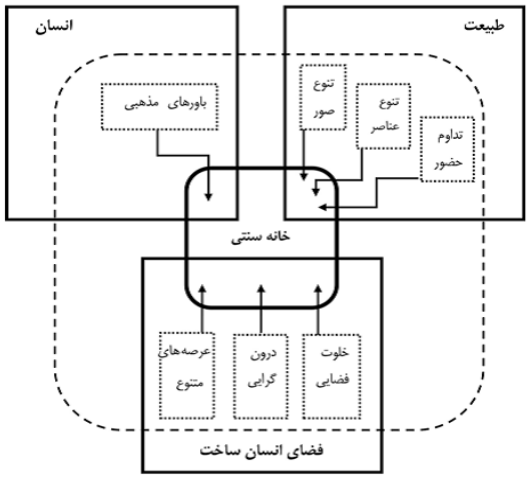
۸- **«دولت پیش نگر»**: که در آن بر پیشگیری به جای درمان تأکید دارد و دولتی با استراتژی پیشتازان طراحی می‌کند؛

۹- **«دولت غیر متمرکز»**: که تغییر جهت از سلسله مراتب به مشارکت و گروههای کاری همگن خواهد بود؛

۱۰- **«دولت بازارگرا»**: که در آن اهرم تغییر از طریق بازار خواهد بود؛

همچنین «دنهارت» (۲۰۰۰) با طرح «نظریه خدمات عمومی جدید» ، با نقد نظریات اصلاحی جدید آزبورن و گیلبر عقیده دارد که اگر حرکت ما سریعاً به سوی هدایت گری باشد ممکن است سکان دولت خود حذف شود. از اینرو موضوع اصلی مدیریت دولتی باید خدمات دهی باشد و مدیریت دولتی باید مسئولیت خدمات رسانی داشته باشد. بر این اساس ایشان مدل جدیدی با نام خدمات عمومی جدید را در پارادایم دولت خوب با ارزش‌های ذیل پیشنهاد می‌کند.

۱-خدمت رسانی به جای هدایت‌گری که در آن بر افزایش نقش دولت در کمک به شهروندان به جای کوشش در کنترل یا هدایت آنها، تأکید شده است؛



نمودار ۴. شرایط و زمینه های لازم در طبیعت، انسان و محیط انسان ساخت برای ارتقای تعلق (منتج از حضور طبیعت) نسبت به مکان، ماخذ: داعی پور، ۱۳۹۳، ص ۵۶.

۲- استراتژیک فکر کردن، دموکراتیک عمل کردن؛

۳- هدف اساسی منفعت عمومی‌است نه پیامدهای جانبی آن؛

۴- خدمت به شهروندان نه مشتریان؛

۵- پاسخ گویی بر اساس استانداردهای حرفه‌ای، ارزش‌های اجتماعی و منافع شهروندی؛

۶- مدیریت با مشارکت مردم نه تأکید صرف روی بهره‌وری؛

۷- خدمات عمومی ماورای کارآفرینی.

نظریات محیط زیست شهر

در ادامه به اختصار نظریات مهم و مرتبط شامل نظریه‌های جامعه‌شناختی محیط‌زیست، نظریه جمعیت‌شناختی، نظریه‌های آموزشی، نظریه‌های فرهنگی و نظریه اکوفمنیست بیان می‌شود:[1]

نظریات جامعه شناختی مشارکت محیط زیستی

با توجه به تحولاتی که در سالهای اخیر صورت گرفته رابطه جامعه شناسی و محیط زیست شهری نزدیک‌تر شده و جامعه‌شناسان در نظرات خود به محیط زیست شهری و ارتباط آن با انسان و جامعه پرداخته‌اند. برای نمونه به نظر «مارکوزه» می‌توان

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک: پولادی، ا.، (۱۳۸۹) طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعی فرهنگی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری. مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

اشـاره داشـت. مارکـوزه معتقـد اسـت: «تفکـر و عمـل بایـد تغییـر یابد، تغییـر دیـدگاه کمـی و مصرف‌مداری بـه زیبایـی شـناختی، اسـاس ایـن دگرگونی می‌باشـد. وی جنبـش زیسـت محیطـی را جنبـش رهایـی بخش سیاسـی و روانشـناختی می‌بینـد.»[1] همچنیـن نظریات مختلفـی وجـود دارد کـه نشـان‌دهنده ارتبـاط عوامـل اجتماعـی و فرهنگـی بـا ارتقـاء محیط زیسـت شـهری می‌باشـد. از آن جملـه می‌تـوان بـه نظریـه تقسـیم کار امیـل دورکیم اشـاره کـرد. دورکیم جوامع را بـه دو نوع تقسـیم کـرده و بـرای هـر یک، همبسـتگی خاصـی را مطـرح کـرده اسـت. «در جوامـع کهـن و گذشـته کـه تقسـیم کار وجـود نداشـته، همبسـتگی مکانیکـی[2] خودبخـود حاکـم بـوده، اما در جوامع جدید و پیشـرفته کـه تقسـیم کار از مشـخصات آن اسـت، همبسـتگی ارگانیـک[3] یـا اندامـی حاکـم می‌باشـد.»[4] بـر طبـق این نظریـه مـردم جامعه امـروزی خود را فقط مسـئول امور مربـوط به خودشـان می‌داننـد و برای هـر کاری از نهاد، واحـد یـا شـخص به‌خصوصـی انتظـار دارنـد و همیـن مسـئله در خصوص مسـائل محیط زیسـت شـهری نیز حاکـم اسـت. یعنـی آنچـه مربـوط بـه محیـط زیسـت شـهری می‌باشـد، جـزء وظایف نهـاد یا سـازمانی خاص می‌داننـد و بـه راحتـی از آن حیطـه کنار می‌کشـند. در واقـع همان همبسـتگی ارگانیکی بر دنیـای امروز حاکم است.

نظریات آموزشی مشارکت محیط زیستی

«هانشـل»[5] نشـان داد که آموزش ضمن خدمت محیط زیسـت تـوأم بـا مطالب تکمیلـی کلاس از نظـر افزایش اطلاعـات و اتخـاذ گرایشـات مثبـت در قبـال محیـط زیسـت شـهری و آگاهـی از نقـش انسـان در برابـر آن، دسـتاوردهای قابـل توجهـی را بدنبال داشـته اسـت. با اسـتفاده از ایـن یافته‌هـا می‌تـوان گفـت، معلمینـی که دوره آموزشـی ضمـن خدمـت را در آمـوزش محیـط زیسـت شـهری گذرانیده‌انـد، گرایـش بیشـتری بـه توسـعه افـکار مثبت نسـبت بـه موضوع محیط زیسـت شـهری خواهند داشـت.

نظریات فرهنگی مشارکت محیط زیستی

افـراد بسـیاری در مـورد فرهنـگ و تأثیـر آن بـر فـرد و تأثیرپذیـری آن، تحقیـق و بررسـی کرده‌انـد. امـا نقطه مشـترک آنها تعامـل بین انسـان و فرهنگ بوده اسـت. بـه منظـور بررسـی ارتبـاط فرهنـگ بـا رفتـار محیـط زیسـت شـهری و ارتقـاء آن از دو نظریـه اسـتفاه شـده، کـه در ادامـه به توضیح آنها پرداخته می‌شـود. بسـیاری از رفتارهـای آلوده کننده محیط زیسـت شـهری ناشـی از تأخـر فرهنگـی می‌باشـد. اصـلاح و بـالا رفتن سـطح فرهنگ زیسـت محیطی نه تنها موجب کاهش آلودگی می‌گـردد بلکـه گرایش مردم نسـبت به کنتـرل و تحت فشـار قـرار دادن عوامـل نهـادی آلودگـی نیـز افزایـش می‌یابـد. بـر اسـاس ایـن نظریـه چهارچوب نگاه انسـان و دانـش آنهـا نسـبت بـه جهـان و همچنین تصـورات و آرزوهـا، توسـط محتوای فرهنگی سـاخته می‌شـود که در آن زندگـی می‌کنیـم. بدیـن طریـق دربـاره جهـان، آمـوزش می‌بینیـم. بـه نظـر آنهـا حتـی پاسـخ‌های عاطفی مردم، یک محصول فرهنگی شـناخته می‌شـود. براسـاس چنیـن نظراتـی می‌تـوان نتیجـه گرفـت کـه مـردم بر اسـاس فرهنـگ خود، عمـل می‌کننـد و رفتار محیـط زیسـت شـهری انعکاسـی از فرهنـگ حاکـم بر جامعـه می‌باشـد، بـا اسـتفاده از عقیـده و بـاور مـردم، می‌تـوان نگـرش و رفتـار آنهـا را تغییر داد و ایـن امر در

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک: بری، ج.، (۱۳۸۰) محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه: حسن پویان و نیره توکلی. چاپ اول.

2. Mechanic correlation

3.Organic correlation

۴.بـرای اطلاعـات بیشـتر ر. ک: کـوزر، ل.، (۱۳۷۹). زندگـی واندیشـه بـزرگان جامعه شناسـی. محسـن ثلاثی. چاپ هشـتم، انتشـارات علمی.

5.Hanshel

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

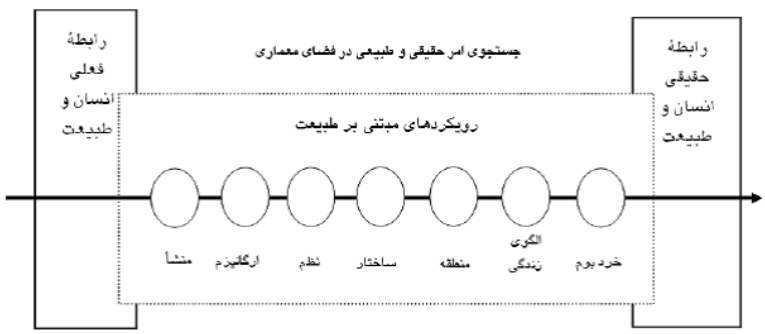
حوزه محیط زیست شهری نیز امکان‌پذیر می‌باش[1].

نظریات جمعیت‌شناختی مشارکت محیط زیستی

طبق نظر «بوتکین»[2] یکی از عوامل ایجاد بحران محیط زیست شهری، جمعیت می‌باشد. از زمان آفرینش انسان، پیوند در جنس زن و مرد نیز همراه آدمی بوده و این پیوند، تولد انسانهای دیگری را بدنبال داشته است و دوباره پیوند و دوباره تولد و این چرخه همچنان ادامه داشت و هیچ کس به این موضوع فکر نمی کرد آیا زمین، گنجایش افزایش ساکنینش را دارد؟ در سال ۱۷۹۸ هیچکس همانند مالتوس بطور جدی و رسمی، بحران جمعیت را مطرح نکرده بود «اصل نظریه او حول این محور می‌چرخد که علی‌رغم افزایش هندسی جمعیت، منابع غذایی به شکل حسابی، افزایش می‌یابد که نهایتاً در صورت افزایش جمعیت دنیا با کمبود غذا مواجه خواهد شد و این کمبود، سایر منابع را تهدید می‌کند و بقای انسان دچار اختلال می‌شود.» با توجه به آنکه میزان جمعیت بر محیط زیست شهری آن منطقه مؤثر است، باید با اجرای برنامه‌ریزی‌های صحیح از افزایش جمعیت منطقه جلوگیری کرد .

نظریات اکوفمنیست مشارکت محیط زیستی

محیط و طبیعت جزء مواردی می‌باشد که متأثر از رفتارهای مستقیم و غیرمستقیم مردان و زنان است و تفکر، رفتار و بینش این دو جنس، بر چگونگی و کیفیت محیط زیست شهری، مؤثر خواهد بود. «رزمری رویتر» معتقد است که متصل کردن حرکت زیست بودم شناختی و جنبش فمنیستی، یکی از شروط پیروزی هر دو جنبش می‌باشد. محیط زیست شهری را نمی‌توان به دور از جنسیت مورد بررسی قرار داد. طرفداران جنبش فمنیستی و جنبش طرفداران محیط زیست شهری به منظور برتر نشان دادن نگرش زیست شهری زنان بر مردان، کلماتی مانند زمین بکو، مام زمین، تأکید کرده‌اند، چراکه اینگونه واژه‌ها یادآور جنس زن می‌باشند. نوع دیگری از این نظریه بنام «اکوفمنیسم مقاومتی» بر این عقیده پافشاری می‌کند که فکر زنان بیشتر از مردان در زمینه محیط زیست شهری، فعالیت دارد. در این خصوص می‌توان به «جنبش چیپکو» در هندوستان که توسط زنان محلی بر علیه الوارسازی تجارتی یا اردوی صلح در گرینهام انگلستان اتفاق افتاده اشاره نمود. نقش زنان در دفاع از محیط زیست شهری به‌خصوص در جاهایی که ذینفع هستند، مانند تولید مثل و جمعیت، بیشتر از مردان مشاهده شده است.



نمودار ۵. رابطه انسان و طبیعت و رویکردهای مبتنی بر طبیعت در احیا شهر؛ ماخذ: نورمحمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۷.

۶.برای اطلاعات بیشتر ر. ک: پولادی، ا.، (۱۳۸۹). طرح پژوهشی بررسی نقش اجتماعی فرهنگی زنان شهر مشهد در ارتقاء کیفی محیط زیست شهری. مدیریت توسعه و پژوهش شهرداری مشهد.

7.Daniel bautkin

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

نقد نظریه های زیست محیطی در غرب

منتقدین نظریه‌های زیست محیطی، از جمله اسپراوت ها، به بحث در مورد نویسندگانی می پردازند که دارای «زبانی محیط گرایانه» بوده‌اند. لذا می توان گفت:

۱. اسپایکمن به دو دلیل از مکیندر انتقاد نمود، یکی برآورد بیش از حد از امکانات «قلب زمین»، و دیگری کم بها دادن به امکانات «هلال داخلی».

۲. اشتراوس- هوپه با تحلیل مکتب ژئوپولیتیک آلمان اظهار می کند که «به‌طور خلاصه، هیچ گواه تاریخی وجود ندارد که ثابت کند طبق ادعای طرفداران «فضای حیاتی» رابطه‌ای علّی میان فشار جمعیت و توسعه‌ی قلمرو کشورها وجود دارد». به لحاظ تاریخی، توسعه‌ی قلمرو کشورها ناشی از عواملی غیر از فشار جمعیت بوده است.

۳. غالبا ادعا می شود که تحولات تکنولوژیک، مفهوم «قلب زمین» مکیندر و نظریه‌ی ژئوپولیتیک هاوس هوفر را منسوخ نموده است. به اعتقاد اشتراوس- هوپه «اگر زمانی مفهوم «قلب زمین» اعتبار داشت، دیگر نمی توان مطمئن بود که تکنولوژی نوین آن را بی‌اعتبار نسازد، و در واقع هم شاید قبلا آن را بی‌اعتبار ساخته باشد.

۴. اسپراوت‌ها معتقدند که نظریه‌های ماهان و مکیندر منسوخ شده‌اند و این امر را حاصل دو عامل می‌دانند، یکی بروز نوآوری‌هایی در صنایع نظامی، و دیگری «اشکال شبه نظامی و غیر نظامی کنش‌های متقابل سیاسی».

۵. کریستوف نویسندگان ژئوپولیتیک را به خاطر «کاربرد حقایق و قوانین فیزیکی به منظور توجیه تقاضاها و اعتقادات سیاسی» مورد انتقاد قرار داده و سپس اظهار می کند که «یکی از نمونه‌های بارز مجادلات متناقض و نومیدانه‌ای که این امر ممکن است به آن منجر شود، مفهوم «دولت هم‌ساز» است که در واقع شبیه مفهوم «مرزهای طبیعی» است» (دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت؛ پیشین، صص ۱۲۹-۱۲۷).

رهیافتهای نظری محیط زیستی در اسلام

تا قبل از سال ۳۵۲ ه.ق قوانین و احکام مربوط به مذهب سنت ساکن اجرا می شد و شیعیان شدیداً جماعت و مسایل مربوط به آن تعقیب در متصرفات اسلامی به خصوص بغداد و ایران- از ترس و آزار حاکمان سنی مذهب جرأت اجتماع علنی برای تبلیغ کیش از آیین خود نداشتند. تنها از سال ۳۵۲ ه.ق بود که معزالدوله دیلمی خاندان آل بویه، دستور داد تا مردم شیعی مذهب بغداد تقیه را عقاید مذهبی را اظهار دارند و در ده روز اول ماه محرم تقیه را علناً کنار گذارند و در روزهای عزیزی که برای شیعیان است مغازه ها را در بغداد تعطیل کنند و به همراه زنان با موهایی ژولیده و صورت گل مالی شده از منازل خود به خیابان ها آیند و سینه زنان مراسم عاشورای حسینی را به جای آورند (یوسف جمالی، ۱۳۷۲؛ ص ۱۴۶). در دوران حکومت الجایتو؛ سلطان محمد خدابنده (۷۰۳-۷۱۶) نیز جو مذهبی بر ایران حاکم شد، و به خصوص پس از گرویدن او به شیعه نام دوازده امام یا چهارده معصوم در حاشیه سکه ها نوشته شد.

آل بویه و سربداران (۷۳۶-۷۸۸) قبل از صفویه تنها سلسله های محلی بودند که مذهب تشیع را به عنوان ایدئولوژی فکری

خود انتخاب نمودند و از نشانه های ارادت ایشان یکی آوردن صلوات چهارده معصوم در حاشیه سکه در دوران علی مؤید سربدار (۷۶۶-۷۸۳) قابل مشاهده است (رهبر گنجه، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

معیارهای مورد نظر عبارتند از قاب های صفحات بعد .

نتیجه گیری و جمعبندی

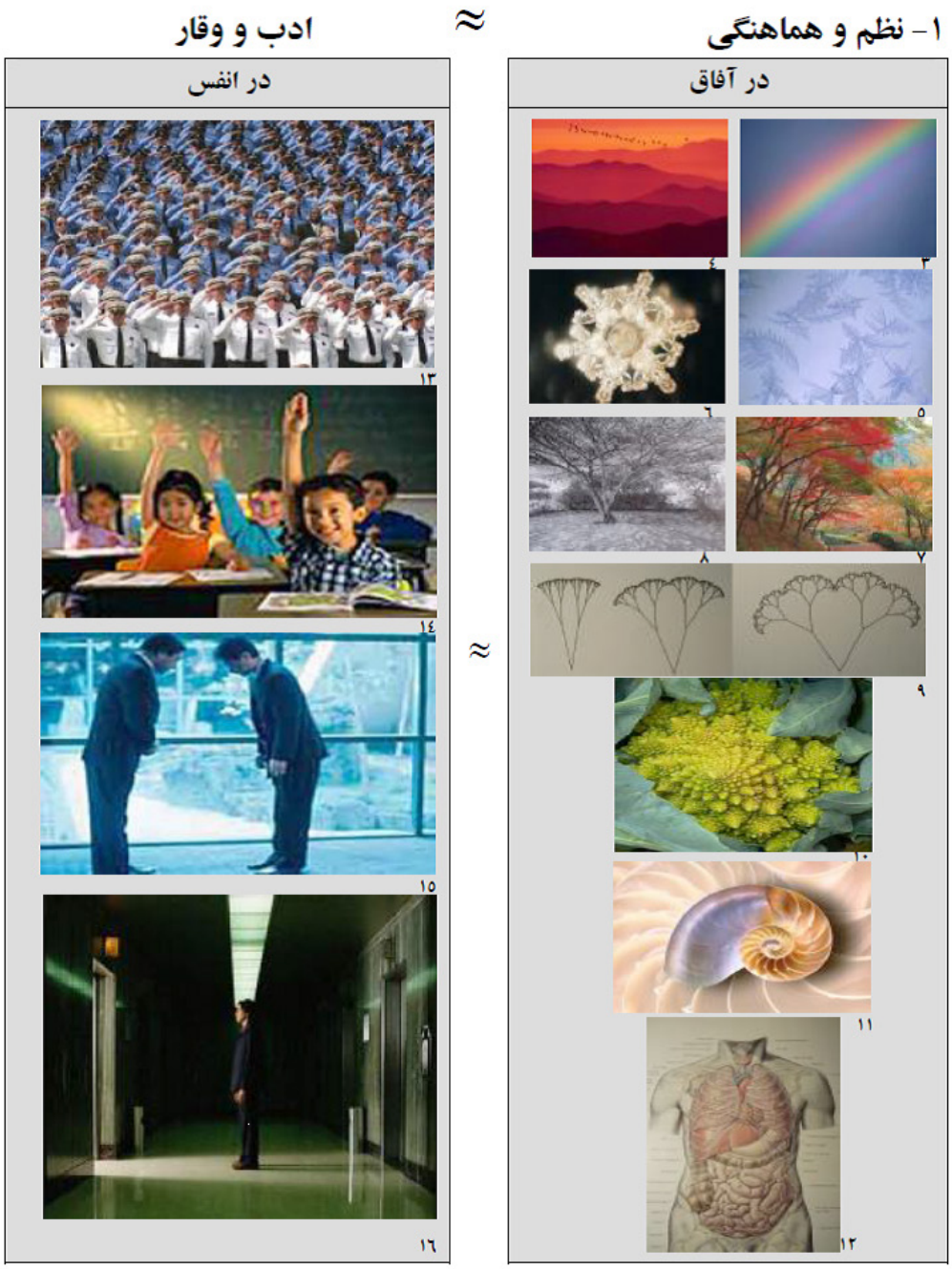
شهر به‌عنوان بخشی از محیط زیست شامل سیستمهای زنده (طبیعی)، ساخته شده، تغییر شکل یافته و تجربه شده توسط مردم تعریف می‌شود. تعاملات بین فضا و جامعه در شهر ناشی از ارتباط تاریخی بین آگاهی انسان، ماده، انرژی و اطلاعات است. با تمرکز بر نقش تغییردهنده شهر در محیط

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

قاب ۱. نظم و هماهنگی در سازگاری؛ ماخذ: همایونی، ۱۳۸۵.

نظم و هماهنگی

آیه نظیر: آن هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید. در آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی نظمی نمیبینی. پس بار دیگر نظر کن. آیا در آسمان شکافی میبینی (ملک: آیه ۳).



جدول شماره ۱ : مقایسه تصویری قانون نظم و هماهنگی در آفاق و انفس (نگارنده ۱۳۸۵)

۳و ۴ - هارمونی رنگها در طبیعت
۵ و ۶ - نظم هندسی در بلورهای یخ
۷ و ۸ - هندسه فراکتالی در درختان
۹- نحوه انشعاب پذیری تکراری درخت
۱۰- نظم فراکتالی در گل کلم بروکلی
۱۱- نظم فراکتالی در حلزون
۱۲- نظم و هماهنگی بین اجزاء بدن
۱۳ تا ۱۵ - تجلی قانون نظم و هماهنگی در رفتار انسان

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

قاب ۲. تضاد در سازگاری؛ ماخذ: همایونی، ۱۳۸۵.

تضاد

آیه نظیر: از هر چیز دو نوع (نر و ماده) آفریدیم تا مگر متذکر حکمت خدا شوید (ذاریات: آیه ۴۹)



جدول شماره ۲ : مقایسه تصویری قانون تضاد در آفاق و انفس (نگارنده ۱۳۸۵)

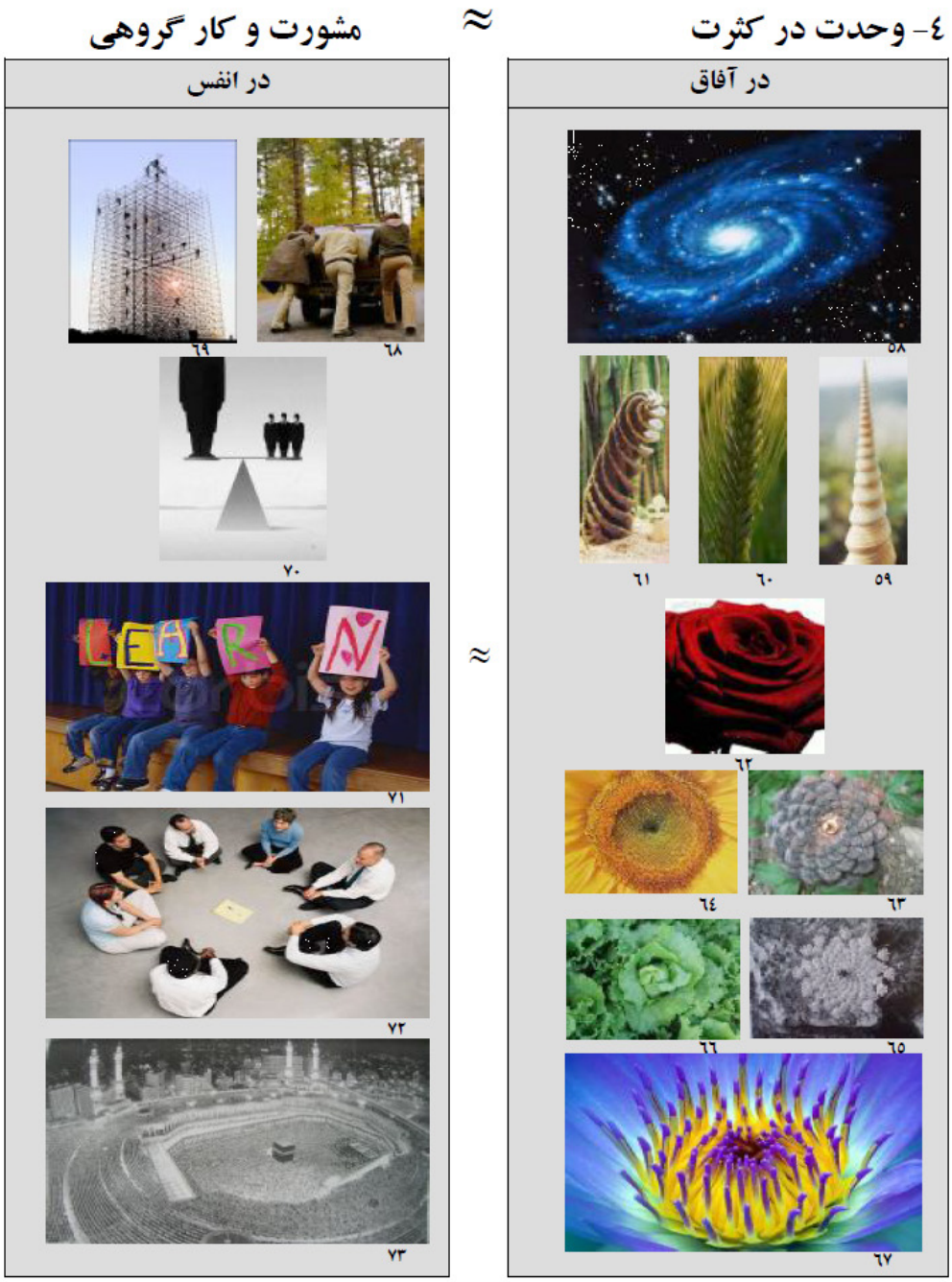
۱۷- شب
۱۸- روز
۱۹- تبدیل شب و روز به یکدیگر عامل حرکت در طبیعت
۲۰ و ۲۱ - تنوع اقلیمها
۲۲- هارمونی متضاد ها در یک اقلیم
۲۳- خشکی و تری
۲۴- نور و ظلمت
۲۵- زن و مرد
۲۶- احساس
۲۷- منطق
۲۸- محتاط
۲۹- بی باک و جسور

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

قاب ۳. وحدت در کثرت در سازگاری؛ ماخذ: همایونی، ۱۳۸۵.

وحدت در کثرت

آیه نظیر: اول و آخر هستی و پیدا و پنهان وجود، همه اوست و او به همه امور عالم داناست (حدید: آیه ۳).



جدول شماره ٤: مقایسه تصویری قانون وحدت در کثرت در آفاق و انفس (نگارنده ۱۳۸۵)

۵۸ تا ۶۷ – اشاره به نقطه مرکزی در بین کثرت اجزاء
۶۰- کثرت دانه های گندم در نهایت ، فرمی واحد را نشان می دهد .

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

قاب ۱. صمد در سازگاری؛ ماخذ: همایونی، ۱۳۸۵.

صمد

آیه نظیر: خدا از همه بی نیاز است (توحید: آیه ۲).



جدول شماره ۵ : مقایسه تصویری قانون صمد در آفاق و انفس (نگارنده ۱۳۸۵)

۷۴- اتصال کوه به زمین

۷۵- اتصال و نیاز تنه درخت به ریشه و ریشه به زمین

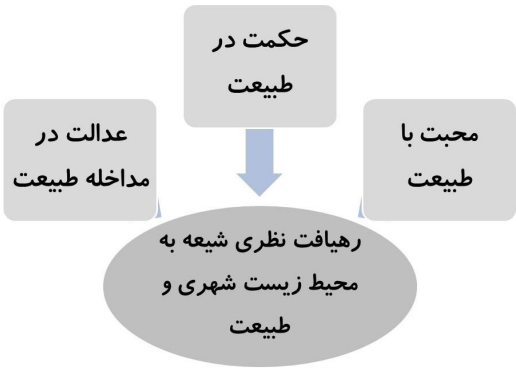
۷۶ و ۷۷ و ۷۸ – نیاز و اتصال میوه به شاخه

۷۹- اتصال و نیاز جنین به بند ناف

۸۰- اثر به جا مانده از اتصال و نیاز ، به صورت ناف !

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

زیست، شهر ترکیب تغییر شکل داده شده‌ای از منابع (زمین، آب، هوا، منابع کانی، و انسان) تلقی می‌شود. در نتیجه، شهر منبعی با نظم مجدد تعریف می‌شود که منافعی را برای شهرنشینها، منطقه و ملت فراهم می‌آورد. راپاپورت در تعریفی جامع شهر را تجلی یک مدل شناختی آگاهانه معرفی می‌کند که به‌عنوان نمادی از تفکرات، ایده‌ها و اندیشه‌هایی است که در قالب یک شکل فیزیکی تبلور یافته و آن قدر غنی است که مناطق وسیعی را به نظم درمی‌آورد. به‌عبارت دیگر، شهر جایی است که مجموع منابع، نیروها و عوامل تشکیل‌دهنده محیط زیست را برای ایجاد محیط مطلوب جهت زندگی انسان در رابطه‌ای تعریف شده به نظم درآورده است. توجه به این تعاریف نشان می‌دهد که رابطه انسان و طبیعت است که شهر را به‌عنوان بخشی از محیط زیست شکل می‌دهد. به‌همین‌دلیل، این ۲ واژه با یکدیگر رابطه هم‌پیوند و متقابل دارند. بااین‌وجود، کنار هم قرار گرفتن ۲ واژه «محیط زیست» و «شهر» در ادبیات برنامه‌ریزی محیط زیست و برنامه‌ریزی شهری در واکنش نسبت به ارتباطات ناهمگون آن دو در دوران رشد سریع شهرنشینی در سده گذشته، چه در نظریه و چه عمل، یعنی به دلیل جدایی انسان از طبیعت و تمایز شهر از محیط زیست، بوده است. همچنین در غرب، با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، در پی بحران‌های اقتصادی ۱۹۲۱ و ۱۹۲۹ میلادی، گرایش به ملّی کردن اقتصاد و ارائه تعریف جدیدی از حقوق مالکیت، به گسترش فعالیت‌های دولتی انجامید؛ به‌طوری که در اوایل دهه ۸۰ میزان سرمایه‌گذاری‌های ثابت و دولتی در برخی از کشورها، بیش از ۵۰ درصد کلّ ذخایر سرمایه این کشورها بر آورد شد. تجربه ناکارآمدی شرکت‌های دولتی و انحصارهای ملّی در این سال‌ها موجب شد که گرایش به خصوصی‌سازی و بازگشت به مکانیزم بازار، بار دیگر افزایش یابد. محیط زیست تمام عرصه پیرامونی حیات، شامل زمین، هوا و آب است که افراد انسانی، گیاهان و جانوران در آن زندگی می‌کنند.



نمودار ۶. رهیافت نظری شیعه به محیط زیست شهری و زیست بوم؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

منابع و ماخذ

داعی پور، زینب (۱۳۹۳) رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه های سنتی ایران، باغ نظر، شماره ۳۰.

نورمحمدی، سوسن (۱۳۸۸) ضرورت درک سرشت معماری، هنرهای زیبا، شماره ۳۷.

همایونی، نازگل (۱۳۸۴) طبیعت مرموز، علوم محیطی، شماره ۴.

رهبر گنجه، تورج (۱۳۸۲) نقش اسما متبرکه بر سکه، کیهان فرهنگی، شماره ۲۰۲.

یوسف جمالی، محمد کریم (۱۳۷۲) تشکیل دولت صفوی و تعمیم مذهب تشیع، تهران، چاپ و صحافی اصفهان.

احمدی حسن (۱۳۷۷) عوامل ظهور و گسترش ایده مشارکت در برنامه ریزی و شهرسازی، فصلنامه پژوهش، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی، پیش شماره دوم.

ارجمندنیا، اصغر (۱۳۸۰) سازمانهای غیر دولتی راهبرد مشارکت سازمان یافته، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۵.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) محله گرایی و روند توسعه شهر تهران، ارائه شده در همایش محلات تهران، چالش‌ها و راهبردها، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران

انصاری، محمد اسماعیل (۱۳۷۹) مشارکت اجتماعی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

و نقش آن در وفاق اجتماعی، فرهنگ عمومی وفاق اجتماعی، تهران.
بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
برک‌پور، ناصر و ایرج اسدی، (۱۳۸۸)، «مدیریت و حکمروایی شهری»، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۸۴) مبانی معماری فضای سبز شهری، انتشارات دید (زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران)، تهران.
تانکیس فرن (۱۳۸۸) فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل های شهری)، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.
توسلی، محمود (۱۳۶۰) ساخت شهر و معماری اقلیم گرم و خشک ایران، تهران، ناشر نویسنده.
تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۵) شهرهای انسان محور بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک، ترجمه حسن علی لقایی و فیروزه جدلی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
چنگز، چارلز (۱۳۸۳) طبیعت در گفتگو با طبیعت، ترجمه آبتین گلکار، مجله معمار، شماره ۲۷.
حبیبی، سعیدی رضوانی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در شرایط ایران، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص۲۴-۱۵
حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
حبیبی، سید محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریهٔ هنرهای زیبا، شمارهٔ ۲۴
حبیبی، محسن (۱۳۷۸) فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی، مجله صفه، سال نهم، شماره ۲۸. بهار و تابستان ۱۳۷۸.
حسینی، سید علی (۱۳۸۰) روشهای مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه شهری (شهرشت)، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
دانشپور سید عبدالهادی و چرخچیان مریم (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات مدنی، مجله باغ نظر، شماره ۷.
دانشپور، عبدالهادی و دیگران (۱۳۸۶) فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، فصلنامه باغ نظر، سال ۴، شماره ۷. بهار و تابستان ۸۶.
دیبا، داراب و مجتبی انصاری (۱۳۷۴) چگونگی شکل گیری ارتباط انسان با محیط مصنوع، اولین مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
دیکر، کارین و پونالد کمپن، (۱۳۸۵)، «حکمرانی شهری در چهارچوب سیاستگذاری شهرهای بزرگ (اهداف و عملکردها در شهر دن‌هاگ هلند)»، مترجم: منیژه لاله‌پور، مجله شهرداریها، شماره۷۵.
رحمانی، ب.، (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط زیست شهری با تاکید بر نگرش اکوفمینیستی، فصلنامه جغرافیایی آمایش. شماره۷.
سرینیواس، ه.، (۱۳۸۰) محیط زیست شهری، سیاست‌گذاری و اقدام. ترجمه و تلخیص سیروس موسوی، تهران. شهرداریها. شماره۳۲
سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹) کتاب سبز شهرداری ج ـ ۹ (فضاهای سبز شهری)، انتشارات شهرداری های کشور، تهران.
سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۹)، «مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری»،جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
سیف الدینی، فرانک (۱۳۷۶) مشارکت مردمی و برنامه ریزی توسعه، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دروهٔ دوازدهم، شمارهٔ دوم
شریف زاده، فتاح و رحمت اله قلی‌پور، (۱۳۸۲)، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، مجله فرهنگ مدیریت، سال اول.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

شـریفیان ثانـی، مریـم (۱۳۸۰) مشـارکت شـهروندی، حکمرانی شـهری و مدیریت شـهری، فصلنامهٔ مدیریت شهری، شـمارهٔ ۸
شـکوری، علـی (۱۳۹۰) مشـارکتهای اجتماعـی و سـازمانهای حمایتی؛ با تاکید بر ایران، تهران، انتشـارات سمت .
شـوریابی، حسـین(۱۳۸۶) ارزیابـی الگوهای مشـارکت شـهروندان تهرانی در طرح های توسـعه شـهری و ارائه الگـوی بهینـه، پایـان نامه کارشناسـی ارشـد جغرافیا و برنامـه ریزی شـهری، دانشـگاه تربیـت مدرس.
صالحـی فـرد، محمـد و علـی زاده، سـیددانا (۱۳۸۷) تحلیلـی بـر ابعـاد اجتماعـی و روانشـناختی فضاهـای سـبز در شـهرها (با رویکرد مدیریت شـهری)، فصلنامه مدیریـت شـهری، شـمارهٔ ۲۱.
طالـب، مهـدی و زهـره نجفـی اصـل (۱۳۸۹) آمـوزه هایـی از رونـد مشـارکت روسـتایی در ایـران، فصلنامـه پژوهـش هـای روسـتایی، شـماره ۲.
عبـاس زاده، محمـد (۱۳۸۷) بررسـی عوامـل موثـر بـر مشـارکت شـهروندان در امـور شـهر (مطالعـه مـوردی: شـهر اصفهـان)، اسـتادان راهنمـا: دکتـر رسـول ربانـی و دکتـر وحیـد قاسـمی، پایـان نامـه دکتـری جامعـه شناسـی دانشـگاه اصفهـان.
عبـاس زاده، محمـد(۱۳۸۷)؛ بررسـی عوامـل موثـر بـر مشـارکت شـهروندان در امـور شـهر مـوردی؛ اصفهـان، رسـاله دکتـری جامعـه شناسـی، دانشـگاه اصفهان.
عباسـی، رقیـه. (۱۳۸۷) بررسـی فراینـد مشـارکت شـهروندان در اداره شـهرهای ایرانـی، اولیـن همایـش سراسـری علمی و دانشـجویی جغرافیا، تهران: انتشارات سـازمان جغرافیایـی نیروهـای مسـلح.
گودسـل، چارلـز (۱۳۸۶) مفهوم فضـای عمومی و جلوه هـای مـردم سـالارانه آن، ترجمـه نوربخـش، هدیـه. فصلنامـه معمـاری ایران، دوره هشـتم، شـماره ۳۰+۲۹، تابسـتان و پاییـز ۱۳۸۶.
نجاتی حسـینی، سـید محمـود (۱۳۸۰) جامعـه مدرن: شـهروندی و مشـارکت، فصلنامه مدیریت شـهری، سال دوم، شماره ۵.
نجاتی حسـینی، سـیدمحمد، «پارادایـم جدید مدیریت شـهری»، فصلنامه مدیریت شـهری، س ۱، ش ۱، بهار ۱۳۷۹.
نجاتی حسـینی، سـیدمحمود. (۱۳۸۰) بررسـی جایگاه مفهـوم شـهروندی در قانـون شـهرداری ایـران، تهـران: انتشـارات سـازمان شـهرداری های کشـور، چـاپ اول.
نصـر، حسـین (۱۳۷۹) انسـان و طبیعـت، تهـران، دفتر نشـر فرهنگ اسـلامی.
نصـر، سـید حسـین (۱۳۸۴) دیـن و نظـام طبیعـت، ترجمـه محمـد حسـن فغفـوری، انتشـارات حکمـت، چـاپ اول.
نورمحمـدی، سوسـن (۱۳۸۸) ضـرورت درک سرشـت فضای معماری با اسـتناد بـه رویکردهای معاصر مبتنی بـر طبیعـت، هنرهای زیبا، شـماره ۳۷.
همایونـی، نـازگل (۱۳۸۵) طبیعت مرموز، نشـریه علوم محیطی، سـال دوم، شـماره ۷.
الوانی، سـید مهدی (۱۳۸۱) راهکارهای مشـارکت عامه مـردم در خـط مـش گـذاری عمومـی، مجلـهٔ مجتمـع آمـوزش عالـی قم، سـال چهارم، شـماره سـیزدهم
یانـگ، کـن (۱۳۸۳) طراحـی اکولوژیـک در معمـاری یـا طراحـی سـبز، ترجمه سـیما زنگنـه، تهـران، آبادی، شـماره ۴۲.
Anderson, Harold (1959) Creativity and its Cultivation, New York: Harper & Row.
Anderson, Ray (1999) Mid-Course Correction: Toward a Sustainable Enterprise. White River Junction, Vt.: Chelsea Green.
Archer, L. Bruce (1963) Systematic Method for Designers, Design, No.172.
Ashworth, William, and Charles E. (2001) The Encyclopedia of Environmental Studies. New York: Facts on File.
Baarschers, W. H. (1996) Eco-Facts and Eco-Fiction: Understanding the Environmental Debate. New York: Routledge.
Sullivan, Louis (1986) The Tall Office Building Artis-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

tically Considered, In: Jay M. Stein (eds) (1999), Classic Readings in Architecture, University of Washington Press, Seattle.

Taylor, Irving a. (1989) The Nature of the Creative Process, in Creativity, An Examination of the Creative Process.

Thooening j.g.Fried Berge (1970), Politigues Urbanies Et Strategise Corporative Sociology Dutravail Dolitague Urbine. Nou, Seuil, Paris.

Tschumi, Bernard, "Spaces and events", the city culturesreader, ed: Malcolm Miles, Tim Hall, London, Rutledge, 1994

Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 56-59

Vol. 33, No. 2, June 2008, 243-257.

Ward, Paul,2010, Participatory Development in Jamaica: Does It Work In Practice? Social and Economic Studies 59: 4 167-196.

Watson, Susan (2003) Living Sustainably. San Francisco, Calif.: Smart Apple.

Wettlaufer, A. K. In the mind's eye: the visual impulse in Diderot, Baudelaire and Ruskin, Amsterdam: Rodopi. 2003 . pp 69 , 120.

Whyte Wlhyte H, The social life of small urban spaces, The conservation foundation Washington , D.C. 1980

Zhang, Haixia,2011, Study on Factors Affecting Performance of Non-profit Organizations in the Participatory Working Methods, Journal of Agricultural Science Vol. 2, No. 3.

Astleithner, F and Hamedinger, A., (2003), Urban Sustainability as a New Form of Governance: Obstacles and Potentials in Case of Vienna, Journal of Innovation, Vol. 16, No.1, pp. 51-75.

Clark, Brian, D., (1981), Urban Planning in Iran: Chang and Development in the Middle East, British library.

Counsell, Dave snd Graham Haughton, (2006 Advancing Together in Yorkshire and Hubefide in book: territory, identity and spatial planning.

Hall, Peter and Ulrich Pfeiffer, (2000), Urban Future 21, spon press.

Healey, P., (2006), Collaborative Planning, second edition, Palgrave macmillan.

Jain, A. K., (2003), Actioning New Partnerships for Indian Cities, Cities,Vol.21,No.1,pp. 41-55.

Morphet, Janice, Global Localism, in book: Territory, identity, Spatial Planning, P. 308.

Osziak, Oscar, (2000), "Building Capacity for Governance in Argentina", Asia Review of public Administration, Vol. 7, No. 10.

Pacione, M., (2005), Urban Geography, second edition by Routledge.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]